

# هلیکوپترهای آمریکائی و روسی در آسمان ایران

آتش افروزی هلیکوپتر آمریکائی در دریای عمان  
تجاوز هوائی هلیکوپترهای روسی در زابل

سال دوم دوره دوم

# رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه ۵۹ شماره ۵۲ تک شماره ۱۰ ریال

## مصاحبه با چهار استاد دانشگاه کابل

در صفحه ۴

در باره توقیف نشریه «خلق»

## نامه سرگشاده به رئیس جمهور

به خود کامگی های فردی و گروهی پایان دهید

در زمانی که شما میکوشید به خودکامگی های رایج در درون و بیرون دستگاه دولتی خاتمه داده و اثرات شوم آنرا در جامعه بزدائید. اقدامات خودسرانه و غیرمسئول حادثه سازینا و ایجاد درگیری برای انحراف افکار بقیه در صفحه ۲

### دستگیری به جرم

نوشتن شعار! در تبریز

دوشنبه ساعت ۱۰ شب سه تن از رفقا و هواداران حزب به نامهای دارا اورنگی، محمدتقی...

## هوشیاری در مقابله با توطئه ی در حال تکوین

در ماههای گذشته، بدنیاال کارزار تبلیغاتی لجام گسیخته ی حزب توده علیه حزب ما، باره کردن شعارهای پارچه ای ما، پاک کردن شعارها، جاقو زدن رفقا یا بهنگام شعار نویسی ویا بهنگام فروش روزنامه، تهدیدهای تلفنی، نهمت زدن و شایعه پراکنی، و... شواهدی در دست است که توطئه ای علیه حزب ما از طرف سوسیال - امپریالیستهای شوروی و عمالشان در حال تکوین است. از مدتها پیش ما اطلاع دادیم که مزدوران حزب توده در همه جا در تعقیب رفقای ما بوده، از رفقای کادر ما عکس گرفته، نمره های ماشین های رفقای ما را یادداشت کرده، از خانه های رفقای ما شناسایی بعمل آورده و دستور حزبی از طرف باند کیانوری به افراد داده شده است که با تمام نیرو و

بدون شرکت نمایندگان واقعی کارگران

## قانون جدید کار اعتباری ندارد



نعمت میرزاده وزیر کار و امور اجتماعی در گفتگویی با روزنامه بامداد (سه شنبه ۲۳ اردیبهشت)، گفت: "هم اکنون یک کمیته عالی متشکل از تعدادی از وزرا و کارشناسان که آقایان احمدزاده و سبحانی وزرای صنایع و معادن و مشاور نیز در آن عضویت دارند، سرگرم بررسی جوانب قانون جدید کار میباشند و پس از خاتمه این بررسی ها که بیش از دوماه طول نخواهد کشید این قانون برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد." سخنان وزیر کار، یک نمونه کامل از بی توجهی و بی مسئولیتی بوروکراتهای دولتی نسبت به خواسته های زحمتکشان و نشانه دوری آنان از دستاوردهای انقلاب است. کارگران طی میتینگها، کنفرانسها، سمینارها، راهپیمایی ها، اطلاعیه ها و... خواهان تدوین قانون کار جدید با شرکت نمایندگان واقعی خود شده اند ولی وزیر کار مبارزات

بقیه در صفحه ۲

کارگران زحمتکش ایران در تظاهرات روز کارگراسال خواسته های بحق مطالباتی خود را همراه با شعارهای ضد امپریالیستی فریاد میزنند. (عکس از خبرنگار رنجبر)

## شایعه پراکنی علیه شیخ عزالدین در خدمت جنگ افروزی است

هیترلی، این شایعه پراکنی را به نقل از یک شخص موهومی منعکس کرده است، دردنباله آن بشیوه ارباب "وای باگاهها را تصرف کردند." بشکل بیشرمانه ای در صدد دامن زدن به اختلافات میان سپاه پاسداران با ارتش جمهوری اسلامی ایران میباشد. این کارگزاران ابر

در هفته های اخیر که مذاکرات و تماسهایی از طرف جلال طالبانی "دبیرکل اتحادیه میهنی کردستان عراق" با مقامات مسئول دولتی و رهبری خلق کرد در مورد پایان دادن به جنگ برادرگشی در کردستان صورت میگردد و در حالیکه مطبوعات از شرکت نیروهای مسلح

## بن بست آمریکا در خاورمیانه

در صفحه ۶

طالبان



### در باره توقیف نشریه

مسائل و مشکلات اقتصادی - اجتماعی میهن ما زیرلای دفاع از جمهوری اسلامی به اشکال گوناگون همچنان جریان داشته و عواقب خطرناک ناشی از آن هر روز بیشتر جرمها را تهدید میکند. در ۲۱ اردیبهشت نشریه "خلق" ارگان سیاسی-تئوریک حزب ما برطبق حکم خودسرانه توقیف اعلام میگردد. و بسادگی همان صدور "فرمان" توقیف، آنها را متی نظیر "ضد انقلابی"، "توهین به رهبرانقلاب"، "تهدیه" گرفتار کردن مقدسات اسلام" و "افترا و توطئه علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران" بمنظور توجیه این اقدام مستبدانه نشان آن میشود. با توجه به اینکه همزمان با توقیف نشریه ما، ۳۹ نشریه دیگر بدون هیچگونه تفکیکی بطور دستجمعی توقیف شده اند، لذا ضرورت بررسی جدی مسئله و رسیدگی به آن نه تنها در ارتباط با نشریه ما، بلکه بطور کلی در ارتباط با تعرض علیه آزادیها و مصروفه در قانون اساسی و باکل رویه ای که از سوی دادستانی انقلاب درقبال مطبوعات کشور اتخاذ شده است، الزام آور میگردد. علاوه بر این از آنجا که این توقیف در شرایط حساس کنونی و در جو سیاسی خاصی صورت میگردد، برخورد بدان نمیتواند از چارچوب مسئله آزادی مطبوعات فراتر نرود و مسئله عمومی حرکت کثونی جامعه و سرنوشت آتسی آن را در بر نگیرد.

ما خود را موظف میبینیم در این ارتباط مسائلی را با شما و با مردم در میان نگذاریم و نسبت به عواقب خودکامگی های فردی و گروهی که مدتی است به موضوع اصلی درددلهای شما با مردم تبدیل شده، سهم خود همدار و همدار بسپارم جدی دهیم.

آقای رئیس جمهوری در جوپرتشنج کنونی که تکرار مختصات آنرا ضروری

### کرده اید. این خودکامگی ها

امروزها منظور خود شما تصریح داشته اید "مردم را به تنگ آورده است" و بهترین زمینه را برای اجباری توطئه های دوا بر قدرت و اعمالشان فراهم ساخته است. این خودکامگی ها عدالت و رفاه اجتماعی توده ها را به هیچ میگیرد و آزادی های مصرحه در قانون اساسی را بی پروا نسی میکند. و از همه مهمتر، عامل اصلی بروز هرج و مرج، تضعیف حکومت و مانع اصلی استقرار حاکمیت دولتی است که شما به حکم رای مردم و موافقانسیون اساسی در حال حاضر با ازان نمایندگی کنید. ما معتقدیم که خودکامگی های "خودی" که از درون حکومت و صفوف هوا داران انقلاب اسلامی بر میخیزد بمراتب خطرناکتر و زیان بارتر از خودکامگی های گروههای است که در ورای

انقلاب اسلامی و خارج از توده ها عمل میکنند. اکنون بنظر میرسد که زمان هشدار رسیده است. و در برابر خودکامگی های فردی و گروهی که به همه هشدار ها دهن کجی میکنند، مردم خواهان اقدام هستند، اقدام قاطع که حکومت قانون را سرانجام بر حکومت هرج و مرج فاشق سازد و ککاروان انقلاب اسلامی را از دست نجات داده و به سوسی سازی و سازندگی، بسوی ساختمان ایرانی مستقل هدایت نماید. اقدامی که وحدت و وسیع خلق را تا مین نماید و روزنه های امید را بر روی ابر قدرتها و عمالشان به نحو نفوذناپذیری ببیند. خواست ما جهت اقدام برای رفع توقیف خلق و مقابله با اقدامات خودسرانه که علیه قانون اساسی و نسبت به آزادی مطبوعات اتخاذ شده در این چارچوب و با این دیدیخی با دید پایا ن دادن به هرج و مرج های که دولت را به لب پرتگاه سوق میدهد، هدف ما قه خود. اتحصه میکند.

## ارگان حزب رنجبران ایران

# نمایشگاه عکس از مبارزات مردم افغانستان در زاهدان

در زاهدان نمایشگاه عکسی از مبارزات مردم افغانستان بر علیه امپریالیسم روس به ابتکار حزب اسلامی افغانستان از ۱۳ تا ۲۵ اردیبهشت در پارک خیابان آزادی زاهدان برگزار شد. این نمایشگاه بسیار مورد استقبال مردم قرار گرفت. در نمایشگاه، شعارهایی از قبیل: "جنش اسلامی افغانستان با دو دشمن مواجه است، استعمار حاکم روسی و امپریالیسم غرب با بقایای منقرض ظاهر شاهی و روسها پیش از رسیدن به آبهای گرم، در دریای خون غرق خواهند شد." و... به چشم میخورد. یکی از مسئولین نمایشگاه در گفتگویی با خبرنگار ما گفت: "استقبال مردم از نمایشگاه خیلی

خوب بوده است. یکبار هم چند نفر که مخالف ما بودند که به نظم از طرفداران حزب توده یا سازمان چریکهای فدایی بودند، آمدند و بحث کردند که بیشتر جنبه تولید مزاحمت داشت، ولی ما برایشان توضیحاتی درباره وضع افغانستان دادیم و آنان دیگر مراجعه نکردند. او افزود: "ما خوشحال میشویم که این جوانان صادق بیایند و از نزدیک نمایشگاه را ببینند تا آنچه را که رهبرانشان میگویند قبول نکنند."

ولی سپس در مورد کمکهای دولت ایران به مبارزین افغانی گفت: "دولت ایران فقط تبلیغات میکند که به ما کمک کرده است و ما کمتر کمک مادی دیده ایم."

## درخواست جبهه ملی از وزارت کشور

اخراج و مدتها بعد، پس از بیروزی انقلاب به ریاست کتابخانه دانشگاه تعیین شد. آخر چگونه ممکن است ساواک از خبر چین خودش نه تنها حمایت نکند بلکه دائما او را در فشار و زندان و تبعید و از دست دادن شغل قرار دهد؟"

در این نامه همچنین آمده است: "اصولا با توجه به افساگری هائی که در موسسات دولتی بعد از انقلاب بعمل آمده ضمن معرفی افرادی، نمونه ای از گزارش های ساواک را در اختیار ادارات گذارده اند که روی فرمهای مخصوص بر علیه افراد تنظیم شده. نمونه هایی از این گزارش ها را در سازمان تامین اجتماعی با خط و امضای مامورین دیده ام. اگر قاسمی ۳۲ فقره گزارش داده باشد طبعاً این گزارش ها باید موجود باشد... همچنین گرفتن حقوق یا پاداش مستلزم تنظیم لیست و صدور چک یا از طریق واریز بحساب شخصی در بانک است که در دو مورد امضای دریافت کننده باید وجود داشته باشد که حق این بود این مورد هم بررسی و روشن میشد." و بالاخره در باره مرجع تصمیم گیرنده، آقای شریفی مینویسد "صرف نظر از همه این حرفها بعد از انتخاب نماینده، تنها مرجع تصمیم

بدنیال انتشار اطلاعاتی از وزارت کشور که طی آنها آقای ابوالفضل قاسمی دبیر کل حزب ایران و نماینده منتخب مردم درهگز به جاسوسی برای ساواک متحله منتهم گشته و بر این اساس انتخابات درهگز باطل اعلام شده، جبهه ملی ایران در نشریه "پیام جبهه ملی" مورخ ۱۵ اردیبهشت و سپس مجددا در همان نشریه مورخ ۲۱ اردیبهشت از وزارت کشور خواست تا: "اولا فتو کپی مستندات و اوراقی را که بر مبنای آنها چنین اتهامی به ابوالفضل قاسمی نسبت داده شده است برای رسیدگی و جلب نظر منحصمین فن به آید و جبهه ارسال دارند. ثانیا بلافاصله و بفوریت کمیسیون تحقیقی مرکب از یک متخصص خط، یک متخصص کامپیوتر بیطرف و یک متخصص امور مالی و دونفر قاضی بیطرف تشکیل شود که با همکاری وکیل منتخب جبهه ملی با اوراق رسیدگی و صحت و سقم آنها را تشخیص دهند"

همچنین در ارتباط با اتهامات وارده به آقای قاسمی، نامهای از طرف آقای رحیم شریفی عضو کمیته مرکزی حزب ایران به نشریه رنجبر رسیده که در بخشی از آن آمده است: "ابوالفضل قاسمی از سال ۴۱ به بعد طبق سوابق

### کنفرانس ...

کند. تجربه کنفرانس فوق العاده اسلام آباد در اوائل بهمن ماه گذشته که طی آن ایران توانست بادر پیش گرفتن یک سیاست فعال حرکت مجموعه کنفرانس را بر روی خط اساسی نه شرقی نه غربی علیه دو ابر قدرت آمریکا و روسیه تقویت کند، نشاندهنده این واقعیت است.

کنفرانس سران کشورهای اسلامی اکنون در شرایطی برگزار میشود که رقابت آمریکا و روسیه برای سرکردهگی بر جهان بشدت ادامه یافته است، رقابتی که بصورت ایجاد اغتشاش، دخالت نظامی، اشغال و تهدید در کشورهای منطقه خلیج فارس بازتاب خود را مییابد. کلیه کشورهای اسلامی که در منطقه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس واقعند در زمینه مقابله با تدارکات جنگی دوا بر قدرت و خطری که از این بابت استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی آنان را تهدید میکند دارای منافع مشترک هستند.

از موضع منافع انقلاب خلقهای برادر کشورهای اسلامی و صلح منطقه، هیئت نمایندگی ایران باید برای حصول نتایج زیسر در کنفرانس اسلام آباد مبارزه کند:

۱- کنفرانس باید به تحکیم وحدت کشورهای اسلامی بمنابسه بخش مهمی از کشورهای جهان سوم و جنبش کشورهای غیر متعهد کمک نماید و به اتخاذ سیاست ها و برنامه های مشترکی برای مبارزه با مفسده چوبی های دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه در منطقه و بیوزره در حوزه خلیج فارس بیانجامد.

تلاشها و رقابت دیوانه وار آمریکا و روسیه برای سطره بر این نقطه حساس و استراتژیک جهان به منفعت هیچ یک از کشورهای منطقه نیست. وجود کشورهای که بدرجات مختلف زیر نفوذ این یا آن ابر قدرت قرار دارند نه تنها نافی امکان رسیدن به وحدت در مورد مبارزه علیه دو ابر قدرت نیست بلکه بر عکس سالیها غارت و استثمار امپریالیستی خلقها و کشورهای این سامان روحیه مقاومت ایجاد کرده و رویادهای جاری در صحنه بین المللی شاهد این مدعا میباشد. کسانی که کوردلانته کشورها را به "ارتجاعی" و "مترقی" تقسیم کرده و حتی نشستن بر سر میز کنفرانس با کشورهای "ارتجاعی" را گناه میدانند یا چشم خود را بر روی واقعیات و تغییرات شگرفی که در سالیهای اخیر در صحنه جهانی ایجاد گشته است بسته اند، ما شگ گانان هستند که

شرکت کننده را بصورت موضعگیری قاطع علیه توطئه ها و تجاوزات امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم روسیه در منطقه بیان کند.

کنفرانس باید قاطعانه تجاوز نظامی روسیه با افغانستان و اشغال این کشور و همچنین دخالت نظامی آمریکا به ایران و ادامه ماجراجویی های آنرا در میهن ما محکوم کند.

کنفرانس باید با روشنی با حضور نظامی روزافزون دوا بر قدرت در خلیج فارس و مناطق مجاور آن مخالفت نماید و عزم را سخ خود را بسرای بیرون راندن این دو جهانخوار از منطقه ابراز کند. کنفرانس باید اعلام کند که امنیت خلیج فارس امر کشورهای مجاور آن بوده و دو ابر قدرت که خود بانیان اصلی عدم امنیت در خلیج هستند حق هیچگونه مداخله ای تحت عنوان "حفظ امنیت" ندارند.

۳- کنفرانس باید پشتیبانی کامل خود را از انقلاب اسلامی ایران و همچنین جنبش های آزادی بخش در سراسر جهان و بیوزره در کشورهای اسلامی اعلام کند و در این مورد، بخصوص بر فلسطین، افغانستان، آریتره و فیلیپین تاکید نماید.

کنفرانس باید علی الخصوص با قاطعیت از جنبش آزادیبخش مردم افغانستان که در برابر اشغال نظامی میهن خود قهرمانانه مبارزه میکنند دفاع کند و سیاستهای مشخصی را برای کمک مادی و پشتیبانی سیاسی از این جنبش اتخاذ نماید. این وظیفه بزرگی است که کنفرانس اسلام آباد باید به آن جواب گوید.

دوا بر قدرت جنایتکار آمریکا و روسیه قاطع از طریق عمل و دست نشانندگان خود تلاش خواهند کرد در برگزاری موفقیت آمیز این کنفرانس چه از طریق تبلیغات زهرآگین و چه از طریق تلاش برای منحرف کردن سمت کنفرانس، خرابکاری نمایند. بعنوان مثال، باند سرسپرده کیانوری در حزب توده از هم اکنون میکوشد تا با اطلاق انواع برجسب ها به کنفرانس اسلامی سیاستی را که در قبال اجلاس قبلی این کنفرانس در پیش گرفت تکرار کند. زیرا این دارو دسته مزدور روس بخوبی میداند که یکی از مهمترین موضوعات مورد بحث در این کنفرانس تجاوز نظامی و اشغال وحشیانه خاک افغانستان توسط ارتش اربابان کیانوری خواهد بود. ولی تردیدی نیست که این بار نیز مانند دفعه پیشین، باند کیانوری با رسوایی و انفراد هرچه بیشتر روبرو خواهد گردید.

ما آمیده ایم که کشف.ه.ا.



ناهنجا ردا دستانی انقلاب با مطبوعات و مراآادی مطبوعات بعدوا همیت ویژه ای مییابد . ما هنوز نمیدانیم که چه دستهای در پشت این حکم خودسرانه است که سنگ را می بندد و سنگ را میسازد ، دستهای که به کمک آنها نشریات متعدد وابسته به دارودسته کیانوری که وظیفه های جزئی تبلیغ انقیاد ملی و هموار ساختن راه سلطه ابرقدرت شوروی نمی شناسند با برخورداری از آزادی کامل به کار خود ادامه میدهند و نشریاتی نظیر خلق که با تمام توان در خدمت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است و همچون خاری در چشم ان عوامل داخلی ابرقدرتها و یک وسیله مهم مقابله با اجحافات و خودکامگی ها ، یک ابزار مؤثر افساء اخلاق و انحراف " چپ نما " هاست توقیف میشوند ، دستهایی که به کمک آنها آزادی عمل در رواج تهمت و افترا تضمین میگردد و بر چسب زدن به یک روند عادی در جامعه تبدیل میگردد . بهر حال شک نیست که ایستادن اقدامات خواسته یا ناخواسته " عملا " در خدمت تشدید هر چه مرج در خدمت اخلاص در برابر ایجاد نظم انقلابی و اخلاص علیه استقرار کمیته دولت است . تعرض جدید علیه مطبوعات بدون تردید حلقه ایست از زنجیره طولانی خودکامگی ها که شما همواره آنرا افساء

با تقدیر و احترام  
مجید زربخش  
مدیر مسئول سردبیر نشریه خلق  
۲۴ اردیبهشت ۵۹

### قانون جدید ...

کارگران را نادیده گرفته و به روال گذشته با تشکیل یک کمیته عالی از عالیترین بوروکراتها، بکار خویش مشغول است و ایشان را کاری به کار نیازهای جامعه و خواستههای زحمت کشان نیست .  
قانون کار طاغوت مجموعه ای از ارتجاعی ترین قوانین و ابزار در دست رژیم گذشته و سرمایه داران و بوروکراتهای وابسته برای پایمال کردن حقوق کارگران و استثمار وحشیانه آنان بود . کارگران ستمدیده ما خوب بخاطر دارند که چگونه سرمایه داران با بهره گیری از امکانات رژیم منحوس پهلوی و پانکیه بر همین قانون کار ، زندگی آنان را به نابودی کشانده اند و از این رو همواره یکی از خواسته های کارگران بدور انداختن این قانون سرکوبگر بود ، آنچنانکه در دوران انقلاب و پس از آن خواست النا قانون کسار طاغوت و تدوین قانون کار جدید مرتباً در اغلب گردهمایی های کارگری بچشم میخورد .  
پس از انقلاب ، علیرغم اعتراضات مکرر کارگران و سازمانهای طرفدار طبقه کارگر نسبت به لغو قوانین خائنانه برانداز قانون کار ، مسئولین وزارت کار خودسرانه و با تکیه بر همان قانون راه اجحاف و ستم سرمایه داران را بر کارگران هموار کردند . در تمام یکسال و اندکی که از انقلاب میگذرد ، بحران بیکاری با اخراج کارگران ( چه بصورت فردی و چه بصورت جمعی ) و با توسل به ماده ۲۳ قانون کار ، ایجاد خطرناکی از این بحران و تجاوز به حقوق زحمتکشان را بنمایش گذاشت . طی این مدت ، سرمایه داران بسادگی دوران طاغوت و با آسایش خاطر کارگران را خراج کردند و در این راه بوروکراتهای وزارتی و قوانین ارتجاعی همراه مطمئن این توطئه سرمایه داران بودند .  
مسئولین وزارت کار به عیب بیکوشند تا دست بخت بوروکراتها را بصورت قانون کاری جدید ، بخورد کارگران بدهند و اساساً تصمیماتی این چنین که از روحیه دوری از خلق و شرکت ندادن آنان در مسایل و مشکلات مربوط به خود ، سرچشمه میگردد ، محکوم به شکست و رسوایی است . خواست کارگران برای شرکت

فعال در تدوین قانون کار ، خواستی بر حق است و تاکنون نیز اجتماعاتی به همت کارگران برای بررسی قانون کار و طرح پیشنهادات جدید ، برگزار گردیده است و آنان میخواهند که در تدوین این قانون از طریق نمایندگان واقعی خویش شرکت نمایند و آخرین بار این خواست خویش را در راه بیمایی اول ما مه ( روز جهانی کارگر ) بیان نمودند .  
رنجبر " تاکنون بارها و بارها در مورد مسائل و مشکلات طبقه کارگر و چگونگی انعکاس آن در قانون کار جدید ، نظر داده است که ضروری است تا یکبار دیگر دیدگاهها و خواسته های کارگران را در مورد مشخص این قانون به شرح زیر بیان کنیم .  
قانون کار جدید باید :  
\* بیمه بیکاری را برسمیت شناخته و در جهت تامین حقوق و مزایای کارگران بیکار سریع اقدام نماید .  
\* کارگران روزمزد ، کارگران فصلی ، کارگران کشاورزی باید زیر پوشش قانون کار جدید قرار گرفته و راه هرگونه سوءاستفاده سرمایه داران برای اخراج آنان مسدود شود . در این میان کارگران فصلی و کشاورزی که بوسله نیروی کار خویش امرای معاش میکنند باید از مرایای بیمه ، مسکن ، بیمه بیکاری و ... در قانون جدید برخوردار باشند .  
\* حق اعتصاب برای کارگران در قانون جدید باید به رسمیت شناخته شود . هر چند که کارگران چه اعتصاب آنان به رسمیت شناخته شود و چه شناخته نشود ، در مبارزه علیه استثمار سرمایه داران و کسب حقوق خویش از این سلاح بر استفاده خواهند کرد .  
\* شب کاری برای زنان بکلی باید لغو شود . مرخصی زنان باردار (سه ماهه) و نگهداری اطفال نوزادان کارگران زن باید بطور جدی برعهده کارفرما گذارده شده و بر اجرای آن نظارت شود .  
\* ترکیب هیئت های حل اختلاف باید به نحوی باشد که نمایندگان کارگران دارای اکثریت باشند .  
\* مرخصی سالانه کارگران که اغلب در بدترین شرایط کار میکنند در قانون طاغوت ۱۲ روز بحساب

آمده است که باید حداقل یکماه در سال باشد و علاوه بر آن تعطیلات رسمی نیز بطور کامل شامل کارگران شود .  
\* مسکن ، مدرسه ، بهداشت و بطور کلی کلیه امور رفاهی مربوط به کارگران و خانواده آنان باید تامین گردد .  
\* تجدید نظر در سنین بازنشستگی کارگران و تعیین آن بر مبنای نوع حرفه ( صنایع سنگین ، نیمه سنگین و کارگرانی که با مواد شیمیایی و خطرناک سروکار دارند ) .  
\* تامین مقررات دقیق حفاظت فنی کارگاه در قانون جدید و نظارت بر اجرای آن و در نظر گرفتن مجازات برای سرمایه دارانی که جان کارگران زحمتکش را با سود جویی در محیط کارگاه بخطر میاندازند .  
\* برسمیت شناختن تشکلات کارگری .  
- و دهها مورد مهم دیگر .  
قانون کار جدید باید بر مبنای نیازهای واقعی جامعه و در جهت تامین خواسته های زحمتکشان تدوین شود . این امر مهم بدون شرکت نمایندگان واقعی کارگران و نظر خواهی از آنان امکان پذیر نیست و قانونی که خارج از این چارچوب نوشته شود ، اعتباری نخواهد داشت .  
\* تشدید خطر ...  
این اولین جلسه ناسیونالیزم از تاج و شوروی به افغانستان و محکوم نمودن این تجاوز از طرف کشورهای اروپای غربی میباشد .  
در طی بیانیهای که پس از اتمام اجلاسها تومنتشر شد ، کشورهای ناسیونالیزم مواضع دفاعی خود در برابر آنها جم روز افزون ابرقدرت شوروی در سطح جهان و استقرار نیروهای پیمان ورشودر مرز های اروپای غربی تأکید نمودند . همچنین ناسیونالیزم آمریکا پیشنهادی برای تشکیل کمیته جهانی ناسیونالیزم را در خارج از محدوده اروپا مسئولیت دفاعی برعهده

مناق فاسد وابستگی به روسیه را میخواهند در پوشش عوامفریبانه " مبارزه با آمریکا " و " ارتجاعی " جلوه دادن کنفرانس پاکستان به مردم قالب کنند .  
۲- کنفرانس باید قادر شود خواست عمیق خلقها و کشورهای

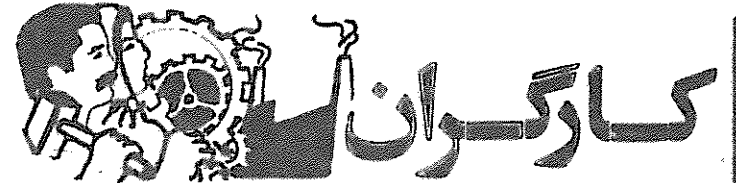
### بن بست ...

استفاده روسها از جریان ضد اسرائیلی ضد آمریکایی بسود خویش در منطقه جلوگیری .  
درواقع امپریالیسم آمریکا از یک طرف خواهان حفظ اوضاع موجود میباشد و از طرف دیگر اوضاع خاور میانه وی را مجبور ساخته است که تغییراتی هرچند جزئی در سیاستش اتخاذ نماید . در مقابل چنین تغییرات هرچند جزئی دارودسته بگین سرسختانه مخالفت میکند و هم چنان بر سیاستهای تجاوزکارانه خود با فشاری میکند .  
نتیجه گیری کنیم . سیاست امپریالیسم آمریکا در خاور میانه به بن بست رسیده است . کارتر یا مجبور است که به سیاست سرسختانه بگین تن دردهد که نتیجه اش تشدید تضاد های منطقه ، نفوذ بیشتر امپریالیسم شوروی در خاور میانه و انفراد بیشتر امپریالیسم آمریکا خواهد شد و یا کارتر بگین بردارد و مناسبات خود را با کشورهای عربی و جنبش فلسطین حل نماید که این سیاست نیز از نظر تاریخی و موقعیت جهانی صهیونیست ها در تضاد کامل با سیاست خارجی

آمریکا میباشد . این امر را نیز نباید از نظر دور داشت که با تشدید تضاد های منطقه که انعکاس خود را در تشدید تضادهای جناحهای مختلف پارلمان اسرائیل بجا خواهد کرد امکان سقوط دولت بگین و روی کار آمدن جناحهایی که در تفاهم بیشتری با کارتر قرار دارند وجود دارد و این امر میتواند در کوتاه مدت امپریالیسم آمریکا را از این بن بست نجات دهد .  
در مقابل با چنین اوضاع بخرنجی در خاور میانه اتخاذ یک سیاست و خط مشی راستین از طرف جنبش خلق فلسطین سازمان آزادی بخش آن یک مسئله اساسی میباشد .  
برای کسب پیروزی های بازم بیشتر در مبارزه طولانی و سختی که در پیش است ، باید بر جنبشهای توده های مردم فلسطین بویژه در نواحی اشغال شده و پیشبرد مبارزه با شکل مختلف بر علیه صهیونیستهای غاصب و امپریالیسم آمریکا تکیه نمود . در برابر ابرقدرت شوروی و عمالش هشیار بود و جبهه پشتیبانی بین المللی از جنبش فلسطین را بر اساس استقلال ، عدم وابستگی و تکیه به نیروی خلق فلسطین و خلقهای عرب بازم بیشتر گسترش داد .

داگما " دم از صلح و تشنج زداشی " و " امنیت جهانی میزنند ، و کنفرانسها و اجلاسها با این نام برپا میکنند ، هر بار روپس از هر کنفرانس و نشست خود را بیشتر و بیشتر برای تجاوز و جنگ افروزی آماده میسازند . مذاکرات ماسکی و گرومیکو در هفته آینده نیز مذاکرات برای تفاهم نیست بلکه مذاکره برای رقابت است . ملل و کشورهای جهان سوم نباید قریب تبلیغات را بخورند و باید در برابر خطر جنگ و بویژه در مقابل تهاجم روسیه هشیار باشند و از هم اکنون بیای تا در کنار ما مدگی برای مقابله با تجاوز و جنگ بروند .

**رنجبر**  
ارگان حزب رنجبران ایران  
صاحب امتیاز و سردبیر : فرامرز وزیری  
مدیر مسئول : علی حجت  
تفانی : خیابان انقلاب جنب سینما رویال  
خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷  
تفانی پستی : تهران - صندوق پستی ۱۴۱۴-۱۳۰۱  
مناطقه پستی ۱۵  
کلفن ۸۲۰۶۹۱ چاپ نسر



شرایط و حاشیات کار و زندگی کارگران فصلی زاهدان

# این انقلاب باید مال کارگران باشد

علت اینکه به درد ما رسیدگی نمیشود این است که جدا جدا هستیم .

درگوشه یکی از میادین زاهدان ، در زمینی که هنوز ساخته نشده است ، دو آلونک بچشم میخورد . آلونکها که یکی بزرگ و دیگری کوچک است ، از بلوکهای سیمانی ساخته شده و سقفش را با چوب و خار و خاشاک پوشانیده اند . درون آلونک کوچکتر که کمتر از ۱/۵ در ۲ متر مساحت دارد ، ۵ کارگر و درون دیگری که تقریباً ۴ در ۲ می باشد ، ده کارگر زندگی میکنند . اطاق بزرگتر دارای برق است و این لامپ تک شعله را هم همسایه بغلی به اتاق آنها کشیده است .

این کارگران همگی روز مزد بوده و هر روز درجائی مشغول کار طاقت فرسا هستند . آنها مجبورند ساعت ۷ صبح کار را شروع کنند تا ۱۲/۵ و بعد از ۲ بعد از ظهر تا ۶ بعد از ظهر و بعضی ها هم تا وقتی که غروب میشود کار میکنند . بهر حال روزی ده ساعت را در بدترین شرایط کار میکنند و همیشه صاحب کار و یا معمار بالای سرشان است و محض اینکه بخواهند استراحتی کنند داد و فریاد صاحب کار بالا میرود .

میشینیم و یا آنها صحبت میکنند تا از درد دلشان و مشکلاتشان بگویند ؛ اختر رخشانی میگوید : ما مجبوریم از صبح تا غروب کار کنیم و آخرش مزدمان ۶۰۰ تا ۵۰۰ تومان است . شما بگوئید که با این ۶۰۰ تا ۵۰۰ تومان چه میشود کرد ؟ آدم بخواهد نان وینیری هم بخرد بیشتر از اینها میشود چه برسد به گوشت که کیلویی ۵۰ تومانش را هم نمیتوانیم پیدا کنیم . تازه مقداری از پول را باید برای خانواده مان بفرستیم . حالا خوب است که این اطاق را داریم وگرنه باید ماهی چند صد تومانی

جائی برای زندگی کردن نداریم . این انقلاب باید مال کارگران باشد . باید به وضع ما رسیدگی شود . قیمت ها روز بروز بیشتر میشود . در صورتیکه حقوق روز مزد ما هیچ تغییری هم نمیکند . اگر بخواهیم حرفی بزنیم آنقدر کارگر بیکار فراوان است که یک نفر دیگر را بگیرند .

اختر رخشانی : روزهای جمعه هم باید کار کنیم هیچوقت استراحت نداریم . چون روز مزد هستیم هیچ چیزی گیرمانماید . وضع کارگران دولتی و شرکت ها بسیار خوب است . آنها زیاد هستند و مزایا دارند . اما حقوقی که ما میگیریم که اغلب ۶۰۰ تا ۵۰۰ تومان است آنهم با ده ساعت کار از مقداری که دولت گفته هم کمتر است . تازه نه مزایا داریم . ونه تعطیلی .

حمید ریگی : کارگران شرکت هم قبلاً وضعیتان بد بود ولی کمی سرو صدا کردند تا بهشان مزایا دادند و الان وضعیتان خوب شده است .

ده ساعت کار بدون تعطیلی

غفور اشترک : تازه خیلی ها کار گیرشان نمیايد و مجبورند با نان خشک بسازند .

عبدالوهاب ریگی : میدانید ، دولت باید بیاید و مزایای کارگری را حساب کند . ما الان بجای هشت ساعت ، ده ساعت کار میکنیم . روزهای تعطیل هم نداریم . بنابراین اگر حقوق کارگران دیگر ۶۰۰ یا ۷۰۰ تومان است ، اعلام کند که حقوق کارگران روزمزد نباید کمتر از ۹۰۰ تومان باشد تا اینطوری به ما هم ظلم نشود . البته دولت باید فکری

داشت یانه .

کارگران باید از دردم آگاه شوند آنها میگفتند که "کارگران باید از دردم آگاه شوند" . میگفتند " علت اینکه بدرد ما رسیدگی نمیشود این است که جدا جدا هستیم . باید یکجا شویم ."

دولت باید شرکتهایی را که خوابیده اند راه بیندازد و یازمین به ما بدهد که برویم و کشاورزی کنیم که هم نان برای مردم تهیه کرده باشیم و هم اینکه پول ما توی جیب خارجی ها نرود ."

آنان از روستاهای دور افتاده ای میگفتند که مردمان رنگ نارنگی و گلایی راننده هاند و اصلاً نمیدانند که چیست . آنان میگفتند که چند نفر هستند همه چیز دارند و صدها برابر این چند نفر هیچ چیز ندارند .

عبدالوهاب ریگی حرف بسیار جالبی میزد میگفت : " آیا شما میتوانید چیزی را بگوئید که کارگر ساخته باشد و یاد دهقان نکاشته باشد ؟ ما راحتی دیگران را فراهم میکنیم در صورتیکه خودمان هیچ بهره ای از آن نمیبریم ."

میخواهیم بدانیم که در مملکت ما چه میگردد .

آنها میگفتند : مشکلات ما زیاد است ولی خواسته هایمان از دولت این است که کار بوجود بیآورد . ساعت کار ما را ۸ ساعت کند و مزایای ما را از صاحب کار بگیرد و به ما بدهد " ما باید ۲ روز تعطیلی در هفته داشته باشیم تا بتوانیم کمی هم از اوضاع احوال مملکت را بفهمیم و بدانیم که توی ایران چه میگردد . کار ما شده از صبح تا غروب کار کردن و شب هم لقمه نانی خوردن و از خستگی خوابیدن . بدین ترتیب پس کی میخواهیم بفهمیم که چه خبر است ؟"

راستی چه وقت به وضع کار و زندگی کارگران زحمتکش فصلی رسیدگی میشود ؟

وضع زندگی و کار آنان بعلت پراکندگی شان بسیار دشوار است . کارگران کارخانجات و کارگاهها و شرکت های ساختمانی باید اولاً بروی این مسئله که قانون کار جدید به دست و شرکت فعال خود کارگران تهیه شود پافشاری کنند و ثانیاً به مسئله بیکاری و کارگران فصلی بسیار برخورد جدی کنند .



## کهنه سر :

# روستائی در گیلان (۲)

در قسمت اول این گزارش که بچاپ رسیده ،

مسائل و مشکلات روستائیان " کهنه سر " گیلان در مورد بهداشت و درمان ، فعالیت های تولیدی و ... بیان گردید . اینک قسمت آخر این گزارش را میخوانید .

طبقات اجتماعی روستا :

روستای کهنه سر یک نمونهی جامعه طبقاتی دهقانی مرکب از مالک ارضی ، دهقانان مرفه ، میانه حال و فقیر ، کارگران کشاورزی و سایر قشرهای خرده بورژوازی روستائی است .

مالک ارضی : یک مالک ارضی در ده وجود دارد که سابقه مالکیتش به حدود ۲۵ سال قبل برمیگردد . در جریان " اصلاحات ارضی " زمینهای این مالک در بین روستائیان تقسیم شد ولی مقدار قابل توجهی زمین همچنان در اختیار او باقی ماند . او علاوه بر ۳۰ هکتار زمینی که در اختیار دارد کنترل زمینهای عمومی ( مشاع ) ده را نیز در دست دارد . نوع کشت در زمینهای این مالک نیمه مکانیزه است و برای شخم از تیلر و گاؤ و توما استفاده میکند . مالک مذکور زمینش را با نیروی کار کارگران مزدور میگرد . حدود ۲۰ کارگر مزدور فصلی و یک کارگر دائم روی این زمینها کار میکنند . از کارگران فصلی ۵ نفر مرد و بقیه زن هستند . آنها از همین ده و یاده مجاور " جوبه " هستند . مزد کارگران روزانه ۶۰۰ ریال است که نقد پرداخت میشود . اینگونه کارگران غیر از کارهای کشاورزی کارهای دیگری نظیر نوکری ، پادوئی و ... هم برای ارباب انجام میدهند . کار از ساعت صبح شروع شده و تا ۸ شب طول میکشد .

دهقانان اجاره کارم ۳ خانوار هستند که زمین را از مالک به مدت ۶ ماه اجاره میکنند . اجاره بها نقدی است و دهقانان بابت هر هکتار زمین ۱۵۰۰۰ ریال به مالک میپردازند . هزینه های کشاورزی شامل بذر ، کود ، سمپاشی ، آب و ... تماما " بعهده دهقانان است . دهقانان اجاره کار از قشر دهقانان فقیر هستند و خود و خانواده هاییشان روی زمین کار میکنند . ارباب هیچگونه مساعده یا وام به آنها نمی دهد . کل تولید سالیانه زمین دهقانان اجاره کار هر هکتار ۳۰۰۰ کیلو برنج است .

دهقانان فقیر که عموماً کارگری نیز میکنند خواهان زمین زراعی بیشتری هستند . کارگران کشاورزی خواستهای صنی و رفاهی مطرح میکنند . کمبودهای دهو خواستهای دهقانان :

خواست عمومی دهقانان را آب لوله کشی ، برق ، راه ، حمام ، مرده سویی خانه ، مدرسه راهنمایی ، تاسیسات ورزشی ، بیمه درمانی و بیمه اجتماعی و بازنشستگی ، بیمه محصولات کشاورزی از نظر آب ، آفات و آتش سوزی ، سرویس ایاب و دهب برای دانش آموزان و اهالی و ... تشکیل میدهد .

هقانان مرفه : ( در گزارش بطور دقیق از دهقانان مرفه اطلاعات و ارقامی داده نشده است . )

دهقانان میانه حال : دهقانان میانه حال این روستا جمعا ۱۰ خانوارند و کل زمینهای آنها حدود ۳۰ هکتار است . آنها علاوه بر کار خود و افراد خانواده هاییشان از کارگران مزدور هم برای کشت زمین استفاده میکنند . آنها این کارگران را بمدت ۳۰ روز در سال بکار میگیرند و روزانه ۸۰۰ ریال

میکند . تعدادی سهم بری میکنند . بقیه هم نیروی کار خود را بطور فصلی می فروشند . در اثر " اصلاحات ارضی " نواستعماری ، وضع این دهقانان بد تر شده است و بسیاری از آنها کسانی هستند که چون امکانات مادی نداشته اند توسط مالک و بورژوازمینهایشان اخراج شده اند . بعضی از دهقانان فقیر بعلت کمی درآمد ، زمین خود را بدیگران اجاره داده و از فروش نیروی کار خود در شهرها گذران میکنند .

کارگران کشاورزی : اینان زمین ندارند و روی زمین مالک و دهقانان مرفه و میانه حال کار میکنند . این قشر نسل اندر نسل کارگر بوده اند .

مبارزه طبقاتی و آگاهی سیاسی دهقانان :

ده ، سابقه مبارزه طبقاتی دارد و دهقانان برسر بدهی به مالک بخاطر اجاره زمین ، نزول و معامله ، هر ساله با مالک مبارزه کرده اند ولی بعلت قدرت و نفوذ مالک ، همیشه مالک پیروز بوده است . در یکی دوساله قبل از انقلاب در روستا جنب و جوش سیاسی بوجود آمده و کار سیاسی بصورت فعالیت مخفی صورت میگرفته است که سازماندهی آن با جوانان بوده است .

با اوجگیری انقلاب ، دهقانان نیز در آن شرکت کردند . آگاهی عمومی سیاسی دهقانان خوب است و دهقانان درباره مسائل روز بحث میکنند . بحثهای دهقانان بیشتر در باره آزادی ، قانون اساسی ، انقلاب ، سیاست کنونی مملکت و ادامه انقلاب است .

## چرا دولت به ما که تجربه کشاورزی داریم کمک نمیکند ؟

در اطراف منطقه " گریز پل کله " اصفهان ، چندین روستا قرار دارد . تا قبل از انقلاب در این ناحیه کشاورزی انجام نمیگرفت و علت اصلی آن هم وجود صنایع نظامی در منطقه بود . در دوران طاغوت میخواستند یادگان نظامی " فرج آباد " را به منطقه " گریز پل کله " منتقل نمایند و از این رو زمین های دهقانان به تصرف دولت درآمد و روستائیان آواره مجبور شدند تا به کارگری در شهر ها بپردازند .

بعد از انقلاب روستائیان دهات مذکور شروع به کشت نمودند ولی بعلت کمبود وسایل و امکانات زراعی موفق به گذراندن

هم کرایه خانه میآدایم .  
۱۰ کارگر در یک اتاق ۲×۴

بحال بیبری مهم بنده . در مری ...  
از صبح تا غروب مجبور است سطل  
ملات را بگیرد و ۳-۲ طبقه بالا ببرد  
و اینهمه کارهای سخت بدین  
استراحت ، خیلی زود شکسته میشود .  
آنوقت صاحب گارها هم که کارگر پیر  
نمیگیرند و مجبوریم از گرسنگی  
بمیریم . دولت باید فکری بحال  
پیرمرد ها بکند .  
آنها از بیسوادى شان میگفتند و  
اینکه مجبور شده اند برای بدست  
آوردن یک لقمه نان خشک بروند از  
کودکی کارکنند . آنان میگفتند که  
بیکاری درد بسیار بدی است و  
نمیدانند آیا فردا هم کار خواهند

و بلوچستان خصوصا مدیر گل آداریه  
کار میبرسیم که چه برنامه ای برای  
کارگران فصلی دارید؟ آیا برای بیبری  
آنان فکری کرده اید؟ اصولا سیاست  
شما در این مورد چیست؟ آیا بنظر  
شما حیرت آور نیست، که ۱۵-۱۰ نفر  
در یک اتاق ۲-۴ زندگی کنند در  
حالی که کارفرمایان و سرمایه داران  
با استفاده از چماق قانون کار  
طاغوتی همچنان خون این  
زحمتکش را بمکنند؟

زاهدان  
۵۹/۲/۲۰

### اعتصاب کارگران اتومبیل سازی تالبوت

گردید . کارگران مشاغل که خطر  
بیکاری و اخراج را احساس میکردند  
و میدانستند که پس از اخراج دست  
های کارگران ، نوبت آنان هم  
خواهد رسید ، دست به اعتصاب  
زده و اعتراض خود را نسبت به  
اینگونه اخراجها اعلام نمودند .  
سرمایه داران استثمارگر ، بمجرد  
اینکه باکسادی بازار و انباشت کالا  
مواجه میشوند ، بجان کارگران افتاده  
و دسته دسته آنان را خانه خراب  
میکند ، بحران بیکاری بخصوص در  
چند ماه گذشته در کشورهای اروپایی  
و آمریکا آنچنان شدت بیسابقه ای  
یافته است که تا کنون چندین میلیون  
نفر به صف بیکاران این کشورها  
اضافه گردیده اند .

در پی اخراج چهارتن از کارگران  
کارخانه اتومبیل سازی تالبوت (در  
اسکاتلند) ، کارگران فلزکار این  
کارخانه صنعتی در تاریخ ۹ اردیبهشت  
ماه دست به اعتصاب وسیعی زدند .  
کارخانه اتومبیل سازی تالبوت  
که متعلق به یک گروه صنعتی موسوم  
به بیگوت - سینترون است ، تنها  
کارخانه اتومبیل سازی اسکاتلند می  
باشد . سرمایه داران این شرکت که  
تصمیم به کاهش تولیدات گرفته اند ،  
با اخراج کارگران ، ساخت اتومبیل  
را در روز آخر هفته تعطیل نمودند .  
اخراج کارگران ابتدا در ۱۲  
اردیبهشت صورت گرفت که طی آن  
۲۰۵۱ نفر از کاربیکار شدند . دومین  
اخراج منجر به بیکاری ۱۴۰۰ کارگر

### اعتصاب ۱۴۰۰۰ کارگر فلزکار در بوزیل

در ماه گذشته ، ۱۴۰۰۰ نفر از  
کارگران فلزکار " سن پائولو " بوزیل  
طی بزرگترین اعتصابات سال های  
اخیر ، صنعت اتومبیل سازی این  
کشور را فلج ساختند .  
دولت بوزیل اعتصاب را غیر  
قانونی خوانده و به دستگیری رهبران  
اتحادیه کارگری پرداخته است . پلیس  
ضد شورش هر روز به اعتصاب  
کنندگان حمله ور میشود و کلیساها را  
که محل تجمع روزانه هزاران کارگر  
است با زره پوشها و کماندوهای ارتشی  
محاصره می کند .

آن را دهقانان سهم بر بصورت نصف  
کاری میگردند . از ۴ هکتار زمین هم  
دارد که آن را به دهقانان اجاره داده  
است . هم دهقانان سهم بر وهم اجاره  
کاران ، زمین شخصی از خود ندارند .  
دهقانان سهم بر ۳ خانوار هستند  
که از قشر کارگران کشاورزی هستند و  
هیچگونه ابزاری ندارند وهمرا اجاره  
میکند . نصف سهم آب ، بذر و کود با  
دهقانان است و پس از برداشت نیز  
نصف محصول را به مالک تسلیم میکنند .

میان حال از هر هکتار زمین ۱۲ هزار  
تومان است .  
دهقانان فقیر : دهقانان فقیر این  
روستا ۱۵ خانوار هستند . مقدار زمین  
آنها بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر است . در  
واقع ۴ تا ۵ خانوار ۲۰۰۰ متر و بقیه  
۵۰۰ متر زمین دارند . بعلت آنکه  
درآمد حاصل از این مقدار زمین کفاف  
زندگی آنها را نمی دهد آنها دست به  
کاری میزند تا زندگیشان را تامین  
کنند . تعدادی از آنها زمین اجاره

روستاییان این منطقه  
میگویند : " خواست اصلی ما  
دریافت وام و کمکهای ضروری از  
دولت است تا بتوانیم زمین های  
کوچک خود را کشت کنیم ."  
دهقانان میبرسند چرا دولت در  
درجه اول کمک های خود را به  
شرکتیایی که اخیرا برای توسعه  
کشاورزی در اطراف روستاهای  
منطقه بوجود آمده است میکند  
ولی به این روستائیان که دارای  
تجربه کافی در امر کشاورزی  
هستند ، چنین کمکیایی نمیکند؟

سرما و با پای برهنه مجبور بودند  
مقاومت کنند ولی با گرم شدن هوا  
درختان هم میوه میدهند و محصول  
در می آید و این به نفع ما هم هست .  
البته باید بدانیکه افغانستان  
برای شوری وسیله است ، هدف  
نیست . زیرا همانطور که قبلا در  
سالهای گذشته کشور و منابع ما را  
غارت می کرد ، میتواند اینکار را  
باز هم بکند . مثلا گاز ما ارزان و  
اصلا مجانی به کشور شوروی میبرد  
و همین اواخر هم صدور گاز چندین  
برابر شده است از همه مضحک تر  
اینکه کنتورهایی که مقدار صدور  
را نشان میدهند در دست خود  
روسها و در خاک کشور آنان است و  
ما هیچ کنترلی روی آنها نداریم و یا  
ما مجبور بوده ایم که محصولاتی را  
که شوروی نیاز دارد کشت کنیم .

هدف شوروی رسیدن به  
آبهای خلیج فارس است و مردم شما  
باید بدانند که اگر شوروی ها از این  
منطقه کوهستانی که افغانستان باشد  
بتوانند بگذرند ، حتما وارد خاک شما  
و پاکستان هم خواهند شد .

س- چه پیامی برای مردم ما  
دارید؟

ج- پیام ما برای مردم شما  
فقط این است که مبارزه مردم  
افغانستان مبارزه آنها هم هست .  
همانطور که آنان علیه جهانخواران  
شرق و غرب مبارزه می کنند ما هم این  
کار را می کنیم . شما هم باید هشیار  
باشید که احزاب وابسته به شوروی در  
کشور شما نتوانند قدرت بگیرند وگرنه  
مانند افغانستان شما هم باید منتظر  
کودتاهایی مانند کودتای داود خان  
و ترهکی باشید . اصلا اجازه ندهید  
که یک ذره از منفعت شما را سلطه  
گران شرقی یا غربی ببرند . ما هم  
انقلاب اسلامی ایران را انقلاب  
خودمان میدانیم و برای امام خمینی  
و رهبران جمهوری اسلامی ایران و  
مردم ایران سلام میفرستیم .

در مبارزه شان علیه تجاوزگران روسی  
پشتیبانی کردند ، آنها روحیه زیادی  
گرفتند . اکثر مردم با آنکه ممنوع  
است و خیلی خطرناک ، برنامه های  
رادیو ایران ، خصوصا شب ها برنامه  
اخبار را گوش میدهند . آنها خیلی  
کم به رادیو کابل گوش میدهند .  
چون رادیو کابل اکثرا تبلیغ میکند  
که دولت ایران و امام خمینی از بیکر  
کارمل جنایتکار پشتیبانی میکند و  
مردم ما اصلا این تبلیغات را باور  
نمی کنند .

س- چرا نیروها و احزاب  
افغانستان با هم متحد نمی شوند؟

ج- آرزوی مردم افغانستان  
همین است . مردم همه از خود  
می پرسند که چرا این احزاب با هم  
متحد نمی شوند و رهبری واحد پیدا  
نمی کنند . اگر اتحاد صورت گرفته  
بود تا حالا این سگها را بیرون کرده  
بودیم .

به گمان ما نیروهای خارجی  
هم جلوی وحدت را می گیرند و  
چون آنها در جبهات مختلف در  
حال جنگ هستند ، کمتر میتوانند  
با هم تماس بگیرند .

س- کمک های مردمی که  
داخل افغانستان هستند به مبارزان  
افغانی چگونه است؟

ج- آنها با جمع کردن  
محصولات و راههای دیگر تا آنجا که  
میتوانند کمک میکنند . حتی برای  
خود سهم ناچیزی ذوقه بر میدارند  
و بقیه را برای مجاهدین میفرستند .

س- با گرم شدن هوا وضع  
مبارزه شما چگونه خواهد بود؟ آیا  
گرم شدن به نفع شماست؟

ج- گرم شدن هوا خیلی به  
نفع ما است . البته به نفع روسها  
هم هست چون از ابزار و وسایل  
جنگی خود بهتر میتوانند استفاده  
کنند . چون بیشتر مبارزان در  
کوهستانها هستند ، زمستان بسیار  
سرد بود و آنها در پناهگاهها در

### بقیه مصاحبه با :

ارتش افغانستان هم روحیه  
اش از بین رفته . چندین کودتا انجام  
شده و هر بار هم در ارتش زیاد  
تصفیه شده اند . اگر ارتش روسیه  
نباشد ، بکروز هم در مقابل مردم  
نمی تواند دوام بیاورد ؛ خیلی از آنها  
هم به مجاهدین پیوسته اند و دارند  
در جبهه ها مبارزه میکنند .

س- نظر شما در مورد  
کمونیست هایی که همراه مردم برای  
استقلال کشورشان علیه روس های  
تجاوز گر مبارزه می کنند چیست؟

ج- میدانید . مردم آنقدر  
جنایت از روس ها و " خلقی " ها  
دیده اند که دیگر کمتر میتوانند نسبت  
به کمونیست ها خوشبین باشند . ولی  
هر کس که تحت شعار خدا و وطن و  
ملت مبارزه کند به مردم احترام  
بگذارد میتواند مبارزه کند . باید هر  
نوع ایدئولوژی در خدمت به مردم  
باشد نه اینکه از مردم در خدمت  
ایدئولوژی استفاده کنند . آنها در  
درجه اول باید منطقه خود را خوب  
بشناسند تا بتوانند در آنجا مبارزه  
کنند . هیچ چیز را به زور نمیتوان  
تحمیل کرد .

یکی از استادان گفت : " من  
خودم از یکی از این گروه های  
کمونیستی شب نامهای در کابل  
دیدم که از مردم و کارمندان دولت  
بازاریان و کارگران خواسته بود که  
به سرکار خود نروند و دست به  
اعتصاب بزنند .

س- تاثیر انقلاب ایران در  
میان مردم افغانستان چگونه است؟

ج- انقلاب ایران تاثیر  
زیادی گذاشته است و آنان را  
امیدوار و خوشبین کرده است . پس  
از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و  
پس از آنکه رهبران انقلاب ایران از  
حمله امام خمینی و آقای بنی صدر و  
آیت الله منتظری از مردم افغانستان

هم میهن مبارز ، خواننده رنجبر :

## انتشار روزانه «رنجبر» در گروه های کمک های مالی شماست

بانک ملی ایران  
تهران شعبه خیابان ایرانشهر  
شماره حساب ۲۵۳۴۸

رفقا ، دوستان  
در پاسخ گوئی به دعوت حزب برای کمک جهت رفع مشکلات  
مالی ، جنبش تقویت بنیه مالی حزب با شورشوق اعضا ،  
وهواداران ودوستان حزب روبروشده که بخشی از کمکها را در  
لیست زیر درج میکنیم :

خارج ز کشور	۵۵۰ کرون
معاذل	۹۳۵۰ ریال
خوی	۱۰۰۰ ریال
تهران	یک عدد انگشتر طلا
تهران	۱۰۰۰۰ ریال
آذربایجان	۳۶۰۰۰ ریال
خوزستان	۶ عدد انگشتر و گردنبند طلا
خوزستان	۱۵۰۰۰۰ ریال
تهران	۲۰۰۰ ریال
تهران	۱۰۰۰ ریال

کمک های خود را  
به حساب بانکی زیر واریز نمائید : تهران - کعبه خیابان ایرانشهر  
شماره حساب ۴۵۳۴۸

# دستور حزبی!

آورده‌اند در سرزمینهای شمال خرسهایی زندگی میکردند که بعلت سردی و یخبندان، گهی طعمه و حرص جهانگشایی هوس تسخیر سرزمینهای شرقی، غربی و جنوبی را کرده بودند. در جنوب بخصوص در سواحل خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند ماهیهای فراوان و رودخانه‌هایی پر از ماهی سیاه جریان داشت خرس قطبی از اینکدامین منابع را گاو وحشی آمریکا و شغالهای اروپایی و زاپنی میبلعیدند. سخت ناراحت بود بویژه اینکه در دهی گذشته استنشاق گاز ایران و افغانستان به ثمن بخش سخت اوراپه و سوسه انداخته بود که "آب سیاه" جنوب را نه جرعه جرعه بلکه دریا دریا بلعد. اما خرس قطبی میدانست که سلسله کوه‌های سربلند آرات، البرز و هندوکش مامن و ماوای پلنگان قوی پنجه و جسوری است و عبور از این کوه ها بسی مشکل. لذا پای تهیه نقشه استراتژیکی برای به بند کشیدن پلنگان رفت. بعد از مدتها فکر و خیال و حرام کردن خواب شب و خواب زمستانی یادش افتاد در سرزمینهای پلنگان موشهای کوچکی انگل وار زندگی میکنند و شب و روزگارشان خسارت رساندن ب مردم از نظر معنوی و مادی است. پس با خود گفت: خوب! من اریاب سرزمینهای قطبی هستم و موشهای این سرزمینها ریزه خوار من هستند و باید در این روز سخت آنها را حرکت در آورم و سپس فرمانی نوشت که شاه موشان که اتفاقا چشمانش نوری نداشت و به آن موش گور میگفتند: "به توای موش گور همیشه وفادار که طوق بندگی مرا با افتخار به گردنت انداخته‌ای دستور میدهم هر چه زودتر موشها و تمام حشرات مودی نظیر سوسه، گرمها و زالوهای آب های راگد، حیاط و مپوعات و رادیو تلویزیون و غیره را زیر شعار "جبهه متحد خلق" به طرفداری از من جلب کنی و حول و حوش این پیام وزغ هارا که تحت عنوان "دشمن اصلی فقط آمریکا است" سرو صداهای انداخته و مایه امید برای من هستند متحد نمایی و خلاصه در تسخیر بوروکراسی همت گئی تا پلنگان را مشغول ساخته و من بتوانم بآرد سر کمتری از این سلسله جبالها عبور کنم. "والسلام اما

نامه ای در تحلیلی از نقطه نظرات حجت الاسلام موسوی خوئینی ها بدست ما رسیده که بعلت اهمیت نکات مطرحه در بررسی و نقدیک مشی و گرایش معین در میان بخشی از نیروهای اسلامی، آن را در چند قسمت به چاپ میرسانیم.

حجت الاسلام آقای موسوی خوئینی ها طی مصاحبه‌ای با "صبح آزادگان" بتاريخ ۵/۲/۸۷ نظرات اساسی خود را در پاسخ به پرسش‌ها تشریح میکنند. از آنجا که ایشان نقش سرپرست "دانشجویان خط امام" مستقر در سفارتخانه آمریکا را بعهده داشته اند و امروز نماینده مجلس شورای اسلامی هستند، بررسی و برخورد به نقطه نظرات ایشان ضروریست.

بطور خلاصه نقطه نظرهایشان بقرار زیر است:  
۱- مسأله مرکزی کنونی حل قدرت سیاسی یا اجرایی است و برای اینکار باید کلیه نهاد های گذشته را واژگون کرد و نهاد های انقلاب را بجای آن گذاشت. افراد گذشته را سرنگون کرد و بجدی آن افراد نورا جایگزین نمود.  
۲- غرب زدگی مهمترین درد جامعه است و از نظام آموزشی غربی ماناشی شده است پس نظام را باید از بیخ و بن تغییر داد و مضمون این نوسازی باید "در خط استقلال و قطع وابستگی حرکت کند".

۳- سومین اقدام، دست‌بیکار شدن در زمینه اقتصادی است که باید مدیران و مستکبرین از تجمل پرستی دست بردارند و هوس های مادی را کنار بگذارند و با بسیج عمومی همگی بسوی روستا ها روان شویم و کشاورزی را احیاء نمائیم. "در زمینه کارخانجات و صنایع بزرگ واحدهایی که بیشترین قسمت از مواد را این واحدها از خارج وارد میشود و فقط در ایران عمل مونتاژ انجام میگیرد، اینها باید برچیده شوند و بسه جای آن صنایعی که بیشتر کارهای آن در داخل انجام میشود توسعه پیدا کنند".

۴- در زمینه ارتش مدرنیزه

## يك نامه

# خوئینی‌ها، نماینده خوب مشی انقلابیگری

است که با بدخود راتباع اولی کند و چنانچه مسئولین مملکتی این عمل را انجام دهند تعدد مراکز قدرت فوراً از بین میرود. "اگر مسئولین امور خود را با نیازهای جامعه انقلابی منطبق کنند، مراکز قدرت از حالت تعدد به وحدت و یکپارچگی تبدیل میشود."

ع- مسئله گروهی نهاد مسئله مهمی برای مجلس نیست مسأله ملت است و با استرداد شاه با بدخل شود.

۷- در روابط خارجی "چنانچه ما مبارزه ضد آمریکا را همه جانبه جلو ببریم و دیگر متحدین را با خود همراه سازیم و سقوط امپراطوری آمریکا را میسر نمائیم آنوقت "قدرت دیگری که بتواند ما را به زیر سلطه بکشد وجود ندارد، امروز تفنگها و قلمها را به سوی غیر آمریکا نشان نرفتن رها ساختن دشمن اصلی است"

۸- در مورد خود مختاری استانها باید بگوییم در استانها شیکه این مطلب مطرح شد و یا میشود هدف نهائی تجزیه است هر چند در بیان خود مختاری مطرح میکنند... خود مختاری کردستان یا فلان استان توطئه کما نیست که خیال ایرانستان در سمری پروراند و سخت در اشتباهند، آرزوی ایران جنوبی و ایران شمالی و امثال این مزخرفات را باید بگور ببرند."

من چندبار سخنان آقای خوئینی ها را خواندم - در اولین دور مطالعه موضع قاطع ایشان را در دفاع از توده های خلق و اینکه از اقلیت های غارتگر با بدسلب مالکیت شود و بین توده های وسیع و مستمند تقسیم گردد، از اینک

" به لحاظ واقعیت عینی جامعه در رژیم گذشته و حال در سیاست خارجی برای این مبدا باید جهت گیری کنیم که آمریکا دشمن اصلی است و شیطان بزرگ مطرح میسر است پس بدوم با دقت بیشتر متن مصاحبه را مطالعه کردم و متوجه شدم که در سراسر مصاحبه ایشان یک مشی انقلابیگری موجود است. مضمون این مشی در سیاست داخلی بهم زدن اتحاد بزرگ مردم از طبقات و اقشار مختلف ضد امپریالیستی و در سیاست خارجی مطلق کردن مبارزه علیه آمریکا و فرا موش کردن امپریالیسم شوروی است."

آقای خوئینی ها چگونه این وظیفه را توجیه می کنند؟ در سیاست داخلی آنجا که هدفش کسب قدرت سیاسی و قدرت اجرایی است هرگونه مصلحت اندیشی را رد می نماید، بطوریکه آنچه به تمام نهاد های که پس از انقلاب تحت رهبری حکومت موقت و رئیس جمهور بوجود آمده اند حمله می کند، و می گوید مشکل کنونی با صعود انقلابیون در راه حل می شود، گوئی تا بحال هیچگونه قدرتی در پس از انقلاب بدست انقلابیون نیفتاده است و آنچه صورت گرفته است تدارک برای انقلاب دوم بوده که با بد صورت گیرد!

آقای خوئینی ها بدون هیچگونه مصلحت اندیشی و بدون در نظر داشتن وضع مشخص یا به لحاظ واقعیت عینی جامعه در رژیم گذشته " همانطور که خود در رابطه با سیاست خارجی تاکید می کند، فرمان برچیدن کلیه صنایع بزرگ جامعه ما را چون وابسته اند میدهد."

آقای خوئینی ها بدون هیچگونه مصلحت اندیشی و بدون

هیچگونه مصلحت اندیشی و بدون

در نظر گرفتن واقعیت عینی کردستان و بدون ارائه کوچکترین سیاست تمایز گذاری بین مشی خائن که انگشت شمار هستند و خلق قهرمان کرد، بدون تمایز گذاری بین رهبران مختلف که جنبش کنونی را هدایت می کنند. به تمام حرکت کردها یکسان حمله می کند و متاسفانه به آن رهبر مذهبی کردها حمله می کند که مستقل تر از دیگران بنظر میرسد.

اما آقای خوئینی ها هنگامیکه به مسئله ایبر قدرت شوروی که امام آنرا "تجاوزگر" می خوانند، مناسبات آنرا با ما به مناسبت "گرگ و پره" تشبیه مینماید، میرسد، "لحاظ واقعیت عینی" را پیش می کشد و می گوید با بد همه ی حمله ها را به آمریکا کرد، دشمن اصلی یکی است نه دو تا. در اینجا آقای خوئینی ها با شجاعت قابل تقدیری مشی نه شرقی نه غربی را رد می نماید و مشی نه غربی را در مقابل آن ارائه میدهد.

من در وهله اول فکر کردم آقای خوئینی ها هم مثل هزاران نفر دیگر در نظر نگرفتن واقعیات جهانی و ایران دچار یکجانبه گری شده و تحت تاثیر مبارزات توده ای عظیم دو سال گذشته، تحت تاثیر شور و شوق بزرگ توده ها شعارهای انقلابی میدهد، میگوید بنا بد همه چیز از سرنگون کردن، قدرت جدید برپا نمودا قیام دنیوی را با بد ریخت و... همه را بر عت و در مدتی کوتاه اما پس از مطالعه دقیق تروپا اندیشیدن به اوضاع مشخص کشور و مبارزات جاری در سطح بالای جامعه و در میان نهادهای نوین و حاکمین دریا فتم که خطی معین موجود است. خطی که نظم دارد، هدف مشخص مرحله ای دارد، می داند که در صاف بندی داخلی و خارجی با بد متعهد شود، علیه کسی با بد مبارزه نماید و موقتا چه



خرس بزرگ  
الغرض موش کور بفکر فرو رفت و  
"نقشهای تاکتیکی بگوش برسد دایر  
براینگه: در میان ساختمانهای مجلل  
رکن چهارم این مملکت تعدادی موش  
مسئول جویدن کاغذها هستند و  
افتخار اسم نویسی در ستون پنجم  
خرس قطبی را هم دارند پس باید به  
آنها دستور داد: "رفقا!... از  
انجائیکه این بنیاد متعلق

است" واگر خودمان موفق بشویم  
شاید همگان جوانان گاری بکنند.  
اما ناگهان صدای پلنگان را شنید  
که میگفتند: "نه شرقی نه غربی زنده باد  
ایرانی مستقل ومتکی بخود" واز  
خواب پرید و متوجه شد که شدیداً سر  
درد دارد وباردیگر به ودگا وسیگار  
پناه برد و گفت لغت براین "دستور  
حزبی" که مسئلهای را حل نکند.



## دستورات انقلابی

روس نامه مردم در شماره اخیر خود دستوراتی خطاب به شورای انقلاب و مقامات وزارت نفت صادر کرده است و اینکه "قرارداد مجتمع پتروشیمی ایران و ۸۰ درصد آن پایان یافته، تعطیلیش در این شرایط بیفایده است؟ و این پیشنهاد های انقلابی بخاطر چیست؟ نویسندگان "مردم" که فراموش کرده اند صفحه اول چه نوشته اند. در صفحه سوم مینویسند: "ماشین شویان میگویند چون کار پیدا نمیشود به ماشین شویی روی آورده ایم." بازوهایی که باید در خدمت تولید باشند ولی برای یک لقمه نان پیر میشوند.

مسئله همینجاست. کیست که نداند با راه افتادن طرح عظیم پتروشیمی بندر امام که بیش از ۳ میلیارد دلار تا کنون خرج آن شده است، دهها هزار نفر بکار واداشته میشوند. توده‌ایها از بیچیدن این نسخه‌ها چه هدفی را دنبال میکنند.

ارگان سفارت روس در قسمت دیگری میبرسد چه کسانی در کردستان آتش جنگ رامیافروزند (۲۲ اردیبهشت) ودر جای دیگری یک کاریکاتور، کومه را آتش افروز کردستان معرفی میکنند. غافل ازاینکه همان روز کیهان از کردستان خبر میدهد که دمکراتها (شاخه نظامی حزب توده در کردستان) ۶۰۰ نفر مسلح را برای کمک به کومه به سنج فرستاده اند.

راستی توده‌ایها چه خطی را دنبال میکنند؟ آیا وعده جدیدی به آنها داده شده است؟ آیا این موضعگیری‌ها اتفاقی است؟ یا آنکه دل آنها برای یک ۲۸ مرداد دیگر لک زده است بد نیست بدانید بارجاله بازبهای توده‌ایهای خائن، دولت ملی مصدق کبیر سقوط کرد و شاه خائن و امریکا دوباره ۲۵ سال دیگر بر این کشور مسلط شدند. ولی این بار مگر این خائن‌ها در خواب بینند که بتوانند برنامه‌های سابق را تکرار کنند ودر سازماندهی ساواک بعنوان "محور" عمل کنند اما حالا که گندش درآمده برای رد گم کردن بگوئید که اسم ساواکی‌ها را افشا کنید... خودتی رفیق!

نقل از روزنامه جمهوری اسلامی - چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت

کردن آن استبداد است دیدیم  
که ارتش مدرنیزه شده است  
در مقابل مردم کاری از دستش  
برنیا مد. با یک مساله ارتش  
بیست میلیونی را جدی بگیریم.  
۵- تبلیغ تعدد مراکز قدرت  
درست نیست. دو قدرت موازی  
هم موجودند. قدرت نهاد های  
نوین انقلاب و قدرت دستگاه  
های دولتی سابق، این دومی

نهادهای نوین انقلابی باید  
جاگزین بوروکراسی عظیم  
اداری و نظامی گذشته  
گردند، از اینکسه باید  
در آموزش کشور تغییرات بنیادی  
بوجود آورد و آنرا از وابستگی  
رها ساخت و... پسندیدم، اما  
مخالفت ایشان را با شعار نه  
شرقی نه غربی که تحت عنوان

در نظر گرفتن وضع سیاسی  
خارجی ایران که هر روز بر اثر  
گروگان گیری به انفرادحتی  
در میان کشورهای جهان سوم  
کشیده شده است، حتی گفتند  
امام را که سر نوشت گروگانها  
را باید مجلس معین کند زیر  
علامت سؤال می گذارد و آنرا  
به " ملت " حواله میدهد.  
آقای خوشینی ها بدون

این خط همان خطی است که  
"رنجبر" آنرا انقلابیگری  
نامیده و افشاء کرده است.  
ما در زیر به نقطه نظرهای  
آقای خوشینی ها یک بیسک  
برخورد می نمائیم.  
قسمتهای بعدی نامه را در شماره  
های آینده چاپ میکنیم.

# مصاحبه با چهار استاد دانشکده ادبیات کابل

هواداران حزب رنجبران  
هنگام دیدار از نمایشگاه افغانی ها  
در زاهدان با چهار تن از استادان  
دانشکده ادبیات دانشگاه کابل که به  
تازگی از کابل آمده اند آشنا شده و با  
آنها به گفتگو نشستند. این چهار  
نفر گفتند که متعلق به هیچ سازمان یا  
حزب خاصی نیستند.

متن این گفتگو را در زیر  
میخوانید:

در ابتدا یکی از ایسنان  
استادان گفت: در کابل و افغانستان  
روسها در حدود صد هزار سرباز و  
تعداد زیادی اسلحه‌های گوناگون از  
تانک گرفته تا هلیکوپتر و وسایل  
مختلف وارد کرده اند. مردم بسیار  
زیر فشار هستند. خصوصاً در شهرهای  
بزرگی چون کابل که کنترل بسیار  
شدید است با این حال مردم آرام  
نمی‌نشینند و به راههای گوناگون  
مبارزه می‌کنند. سربازان روسی به  
ناموس مردم تجاوز می‌کنند.

مثلاً در یکی از شبها،  
گروهی از سربازان روسی به خانه  
یکی از دیپلماتهای هندی رفتند و  
تقاضای شراب کردند و وقتی خوردند  
خواستند به زنهایشان تجاوز کنند.  
دیپلمات هندی با سفیر هندوستان  
تماس می‌گیرد و سفیر می‌گوید که  
چون حکومت نظامی است کاری  
نمیتوان کرد، بهتر است که آنها را  
مست کنی تا صبح اقدام کنیم. وی  
هم همین کار را می‌کند و فردای آن  
روز که توسط سفیر هندوستان به  
سفارت شوروی شکایت می‌شود، سفیر  
شوروی عذرخواهی میکند و می‌گوید  
که سربازان ما فکر کرده اند که منزل  
متعلق به افغانی هاست وگرنه اینکار  
را نمی‌کردند!

سپس این استاد ادامه داد  
که از نظر آنان تجاوز به زنان و  
ناموس افغان هیچ ایرادی ندارد.

در کابل چگونه است؟  
چ- می‌دانید که کنترل بسیار  
شدیدی در کابل است و سر هر چهار  
راهی چند تانک و کامیون‌های سرباز  
روسی و افغانی هستند. با اینحال  
مردم تا چندی شبها مبارزه میکردند  
و شعار الله اکبر میدادند و یا در  
تاریکی شب با کارد به سربازان روسی  
و افغانی حمله می‌کردند. اما مدتی  
است که شب‌ها به محض آنکه صدای  
الله اکبر بلند میشود، روس‌ها  
چیزهایی به هوا پرتاب میکنند که  
محوطه وسیعی را روشن میکنند و  
سپس هلیکوپترهای روسی که مسلسل  
هم دارند، مردم را در روی پشت  
بامها به رگبار می‌بندند.

اخیراً یک اعتصاب عمومی در

باشند ولی با اینحال اگر یکماه  
غذا برای خوردن داشته باشند،  
دو ماه مقاومت میکنند و دست به  
اعتصاب میزنند.

س- در دانشگاهها اومدارس  
چه می‌گذرد؟

چ- کمتر دانشجو یا دانش  
آموزی است که دلش بخواهد به کلاس  
برود و درس بخواند. در مدارس و  
دانشگاهها مبارزه جریان دارد.  
دانشجویان میگویند که ما درس  
بخوانیم که چه بشود؟ مهندس یا  
دکتر بشویم و به ارتش روسیه خدمت  
کنیم؟ و یا خاک خود را بفروشیم؟  
در کلاس خود من از ۳۰ دانشجو از

روسیها جنایت می‌کنند، کنترل بسیار شدید است، اما مردم

آرام نمی‌نشینند و بر اههای گوناگون مبارزه می‌کنند

البته باید بدانید که افغانستان برای شوروی وسیله است،

هدف نیست، هدف شوروی رسیدن به آبهای خلیج فارس است

کابل انجام شد. بیشتر خبرها توسط  
شب نامه در کابل پخش میشود. اگر  
بفهمند که کسی طرفدار احزاب  
اسلامی یا مخالف نیروهای دولتی و  
اشغالگران روسی است، شب دیگر به  
خانه بر نمی‌گردد. چندی پیش هم  
تظاهراتی برای آزادی زندانیان  
سیاسی انجام شد که هنگام تظاهرات  
"خلفی‌ها" بیشرمانه به یک عمل  
فحیح دست زدند. آنها دو کودک  
۷-۸ ساله را از داخل هلیکوپتر زنده  
زنده جلوی جمعیت تظاهرکنندگان  
انداختند.

با آنکه وضع مالی مردم  
خراب است و مجبورند هر روز کار  
کنند تا چیزی برای خوردن داشته

۱۵ دانشجو خبری در دست نداریم.  
فقط میدانیم که تعدادی از آنها  
شهید شده‌اند و بقیه حتی جسد  
هایشان پیدا نشده است. تعداد  
زیادی از استادان هم دستگیر  
شده‌اند. حتی یکی از آنها بنام  
"استاد علی نورستانی" که استاد  
علوم اجتماعی بود زیر شکنجه شهید  
شد. میخواستند از او اقرار بگیرند  
که طرفدار رژیم است چون او در  
دانشگاه بر ضد رژیم صحبت میکرد.  
او را شکنجه‌های مختلف دادند و  
بالاخره با دستگاهی که مانند پیاله  
است، و روی سراو گذاشتند و به تدریج  
توسط برق به جسمش فشار آوردند  
تا جمجمه‌اش خرد شد.

س- آیا رژیم بزرگ کارمل  
طرفداری هم دارد؟

چ- طرفدارانش یک در صدم  
نمی‌شوند. حتی کودکان روزها در  
کوچه‌ها هدفی تعیین میکنند و با  
سنگ آن را می‌زنند و می‌گویند که آن  
روس یا بزرگ است و ما داریم آن را  
می‌کشیم. با پیر مردان یا پیرزنان  
که صحبت میکنی میگویند که فقط  
آرزویمان این است که قبل از مردن  
این سربازهای روسی و بیگانه پرستان  
را بکشیم و از افغانستان بیرون بریزیم.

س- وضع ارتش روسیه و  
ارتش افغانستان چگونه است؟

چ- در ابتدا روسها سربازانی  
از ملیت های غیر روس که خیلی از  
آنها هم مسلمان بودند آوردند.  
ولی چون آنان زبان مردم افغانستان  
را که دارای همان ملیت ها است  
می‌فهمیدند و وقتی می‌فهمیدند که  
مردم برای آزادی کشورشان و برای  
عقیده‌شان مبارزه میکنند و مسلمان  
هستند، برای روس‌ها اشکال به  
وجود می‌آوردند. ۱۴ نفر از آنان که  
فرار کردند، می‌گفتند به ما گفته  
بودند در افغانستان با سربازان  
آمریکایی و چینی می‌جنگیم ولی ما  
دیدیم که اینها مردم فقیر و بیچاره  
و مسلمان افغانستان هستند.

پس از این جریان روس‌ها  
آنها را بردند و از سربازان روسی  
سفید آوردند. آنها هم طوری  
هستند که داخلشان اختلاف است.  
آنها اسلحه، فشنگ و یا ساعت خود  
را می‌فروشند و یا در برابر آن غذا  
دریافت میکنند و یا وقتی یکی از  
سربازان کشته میشود، اسلحه او را  
میدزدند و بعد با غذا یا چیزهای  
دیگر معاوضه می‌کنند.

بقیه در صفحه ۳



# رویدادهای جهان

## چگونه سوسیال فاشیستهای روسی افزایش قدرت تهاجمی دریائی خود را توجیه می کنند؟

های نظامی خود در نقاط مختلف گیتی نیز دست زده است . پنج شنبه گذشته (۱۸ اردیبهشت) "دیمیتری پولیانسکی" سفیر کرملین در زاپین در "باشگاه خبرنگاران خارجی زاپین" اظهار داشت که روسیه نیروهای نظامی خود را در خاور دور تقویت کرده است . وی گفت این اقدام برای مقابله با حضور نظامی آمریکا در خاک زاپین ، تقویت همکاری زاپین و آمریکا و عدم ثبات در منطقه هندوچین و کره انجام گرفته است . سفیر روس به تقویت نیروهای نظامی روسیه در چهار جزیره اشغالی زاپین اشاره کرد و زاپین را تهدید کرد که راه ضدیت با روسیه را که بسود منافع ملی زاپین نیست در پیش نگیرد .

سوسیال فاشیستهای مهاجم روس تقویت ماشین جنگی و لشکرکشی خود را به نقاط مختلف جهان "تهدید امنیت مرزهای" خود توجیه میکنند . باید از این متجاوزین و زورگویان پرسید که آنگولا، آریتره، یمن جنوبی و هندوچین و ... چه مرزهای مشترکی با شما دارند و چگونه مرزهای شما "تهدید" میکنند؟

اما این توجیحات و توضیحات بازگی ندارند . هیتلر نیز برای حفظ "مرزهای خود" و رفع خطر از "تهدیداتی" که به منافع آلمان وارد میشد به صحرای افریقا لشکر کشی میکرد . بدون شک فاشیستهای روسی نیز سرنوشتی چون فاشیستهای هیتلری خواهند داشت .

بنابر گزارش روزنامه هرالد تریبون (نهم مه) مقامات وزارت دفاع آمریکا پنج شنبه گذشته (۱۸ اردیبهشت) اطلاع دادند که اخیرا ماهوارههای تجسسی آنها موفق شده اند بزرگترین زیردریایی را که از پناهگاه زیر دریایی سازی در "سورودونیسک" خارج میشده مشاهده کنند .

بر اساس عکس هایی که توسط ماهوارهها برداشته شده است این زیردریایی دارای ۴۸۰ پا طول و ۵۷ پا عرض میباشد . زیردریایی مذکور گنجایش بیشتری از زیردریایی اتمی نوع جدید نیروی دریایی آمریکا موسوم به "تریدنت" دارد . زیردریایی تریدنت که ۵۶۰ پا طول و ۴۴ پا عرض دارد مجهز به ۲۴ موشک با برد زیاد است .

انتظار میرود کروسها اقدام به استفاده از یک زیر دریایی که مجهز به موشک با برد زیاد است و تیفون نام دارد بکنند . این زیر دریایی اوایل امسال برای اولین بار آزمایش شد .

روسها علاوه بر زیر دریایی که ماه پیش دیده شد دارای چهار تا پنج زیر دریایی موسوم به "آلفا" که بدنه تیتانیومی دارند میباشد . این زیردریاییها قادرند در عمق بیشتری از زیر دریاییهای آمریکایی فروروند .

امپریالیسم روسیه علاوه بر رقابت دیوانه وار خود با امپریالیسم آمریکا در تولید و مدرنیزه کردن ابزارهای جنگی به تقویت تمرکز و مانور نیرو

## جبهه آزادیبخش سومالی غربی ، جبهه ای دیگر علیه امپریالیسم روسیه



"تجاوزات روسها و کوبا ئی ها را در شاخ آفریقا درهم شکنید . " شعار اعتراضی پررویی دیوارهای شهر موگادیشو ، سومالی .

در نیاز مبرم به آذوقه بسر میبرند . اما علیرغم ، کلیه این اقدامات نظامی ارتش نتوانسته منطقه را تحت کنترل خود درآورد . مقاومت مردم سومالی در این منطقه و جنبش پشتیبانی از این مقاومت روز بروز گسترش بیشتری مییابد . کارمندان و کارگران وزارت خانهها و موسسات دولتی سومالی حقوق یک ماه خود را در پشتیبانی از مردم صحرای اوگادن به پناهندگان هدیه کرده اند .

یک عضو کمیته مرکزی جبهه آزادیبخش سومالی غربی شکست ناپذیری مبارزات مردم را اینطور توصیف میکند: " دشمن میدانند در صورت پرداختن بهای کافی هر کدام از پایگاههای ما را تسخیر کند . اما در طولانی مدت آنها قادر به حفظ آن نخواهند شد . آنها همیشه مجبور به عقب نشینی هستند . جنگجویان ما همه جا هستند . ما سرزمین خود را بهتر می شناسیم . این مردم ، مردمان ما هستند و ضررات ما در مقایسه با دشمن ناچیز است . "

رژیم منگستو اتیوپی با کمک مستقیم نظامی مزدوران کوبا ئی مدت شش ماه است که دهکدههای منطقه صحرای اوگادن در جنوب شرقی اتیوپی را بمباران کرده و با استفاده از بمب های شیمیایی آب آشامیدنی مردم را مسموم ساخته و نهادارایی مردم یعنی احشام را نیز از بین برده است .

هدف اتیوپی از این کارزار وحشیانه نظامی بیرون راندن کامل مردم سومالی از این منطقه میباشد . اوگادن سکونت گاه تاریخی و سنتی مردم سومالی بوده و اکنون مردم این ناحیه از طریق جبهه آزادیبخش سومالی غربی علیه تجاوزات رژیم اتیوپی و اربابان روسی اش میجنگند . در نتیجه این جنبشها روزانه تعداد ۱۰۰۰ پناهنده از خانه و گاشانه خود رانده شده و به سومالی پناهنده شده اند . طبق آمار سازمان ملل تاکنون ۴۷۴۰۰۰ پناهنده به مقامات سازمان ملل خود را معرفی کرده اند اما حدود ۷۰۰۰۰ پناهنده دیگر در اردوگاههای غیر رسمی در شرایط طاقت فرسا زندگی میکنند و

# رویدادهای اقتصادی

## دولت سیاست درستی برای ملی کردن تجارت خارجی ندارد

وزیر بازرگانی اعلام کرد که لایحه ملی شدن تجارت خارجی ایران در کمیسیون اقتصادی شورای انقلاب تصویب شده و برای تصویب نهایی به شورای انقلاب فرستاده شده است . بموجب این لایحه دولت ۵۰ درصد مرکز خرید ایجاد میکند که این مراکز خرید کلیه امور واردات و توزیع کالاها را بدست خواهند گرفت . این مراکز در ابتدا به تهیه آمار دقیقی از احتیاجات کشور به کالاهای مختلف خواهند پرداخت و در شروع کار ۵۰ درصد واردات تحت کنترل دولت قرار خواهد گرفت .

شکی نیست که بازرگانی خارجی ایران باید ملی شود چراکه برای قوام یافتن اقتصاد ملی نیازمند این کار هستیم . اما ملی کردن به این مفهوم که وزیر بازرگانی مطرح کرده و کمیسیون اقتصادی شورای انقلاب تصویب کرده نتایجی جز ضربه زدن به رشد اقتصاد ملی و تقویت سرمایه داری بوروکرات ندارد . اگر در نظر داشته باشیم که یکی از وظایف اساسی ما در انقلاب ضد امپریالیستی مان مبارزه با بقایای سرمایه داری وابسته و بخصوص مبارزه با بوروکراسی عریض و طویل باقیمانده از سالها سلطه امپریالیسم بر میهن ما است ، براحتمی میتوانیم بفهمیم که اقدام اخیر دولت نتایجی جز قدرت یافتن بیشتر این غول بوروکراسی نخواهد داشت . این اقدام علاوه بر اینکه عملی شدن آن بسیار جای سؤال دارد ، بر آوردن یکی از بزرگترین آرزوهای بوروکراسی بوروکرات ایران است . اگر در نظر بگیریم که در زمان حکومت وابسته شاه هم عظیمترین سرمایه وابسته ، در بخش دولتی نهفته بود و آشنایان اصلی بوروکراسی وابسته در پشت میزهای بوروکراسی دولتی بود و اگر در نظر بگیریم که اهرم اصلی امپریالیسم برای ایجاد فشار و اختناق بر بخشهای اقتصاد ملی کشور همین بوروکراسی دولتی بود و اگر در نظر بگیریم که بوروکراسی دولتی آریا-مهوری ، از نظر ساخت و کارکرد ، کوچکترین تغییری نکرده است ، رسیدن به این نتیجه که دولتی کردن بازرگانی خارجی در اساس به ضرر اقتصاد ملی و بیفایده تقویت سرمایه داری وابسته خواهد بود ، کاملا منطقی بنظر میرسد .

اما یک دولت ملی ، و غیر وابسته باید سیاست روشنی برای بازرگانی خارجی و شکل دادن به آن در جهت نیازهای رشد اقتصاد ملی داشته باشد و بطور کلی آنرا تحت کنترل و نظارت داشته باشد نه اینکه آنرا قبضه کند . سیاستهای یک دولت ملی در مقابل بازرگانی خارجی باید در اساس متوجه این باشد که تجارت خارجی کشور در خدمت هدف کلی و عمومی مردم ، یعنی کسب استقلال و گسترش بنیادهای اقتصادی قرار گیرد . بخش قابل توجهی از سرمایه های ملی ایران در بخش تجاری فعالیت میکند . محدود کردن و حتی نابود کردن سرمایه داری ملی در تجارت خارجی و جان نشین کردن سرمایه داری بوروکرات مثل روز روشن است که بهیچ وجه پاسخ به ضرورت های جامعه ما نیست .

### راه حل تجارت خارجی ما چیست؟

مناسبات تجارت خارجی ما با مجموعه سیستم اقتصادی کشور و حرکت در جهت شکوفایی اقتصاد ملی چگونه باید باشد؟ مسلما نیازهای اصلی انقلاب ملی و دمکراتیک ما در مرحله کنونی چنین میطلبد که با بسیج تمامی نیروهای مثبت قدم در راه گسستن بندهای وابستگی و بارور ساختن نهادهای اقتصاد ملی بگذاریم . در پاسخ به چنین ضرورتی ، کشور ما نمیتواند پذیرنده سیاست درهای باز باشد . چراکه اجرای چنین سیاستی ریشه های اقتصاد ملی ما را هر چه بیشتر میخکوند و زمینه بسیار مساعدی برای غارت و چپاول ما بوسیله سرمایه مالی

نگوین موتو رئیس جمهور ویتنام اخیرا (چهارم اردیبهشت) در پاسخ به خبرنگار آسوشیيتد پرس اعتراف کرد که فعالیت های شورشی در ویتنام وجود دارد . گزارشات رسیده توسط آسوشیيتد پرس از هانوی حاکی است که در ارتفاعات مرکزی ویتنام جنوبی



## تایلند و فیلیپین جنگ خلق پیروز است

ارتش آزادیبخش خلق تایلند ، با زوری مسلح حزب کمونیست این کشور در سه ماهه اول سال ۱۹۸۰ ، هشت حمله به پاسگاههای ژاندارمری و ۱۷ شبیخون به نیروهای ارتش تایلند را با موفقیت به پیش برد . در یکسال گذشته ارتش آزادیبخش توانسته است ۲۶۰۰۰ نفر از افراد دشمن را از پای در آورد و ۳۸۰۰۰ قبضه تفنگ و مقادیری مهمات را بنیابت بگیرد . همچنین

ارتش آزادپهن در سال گذشته ۱۰ هتیبویر و هوایی دامن را سرخون ساخت .  
این ارتش تحت رهبری حزب کمونیست نایلند در مناطق شمالی ، مرکزی و جنوب نایلند فعالیت میکند و در شمال نایلند دارای مناطق آزاد شده میباشد .  
ارتش نوین خلق فیلیپین در اواسط ماه زانویه امسال بنا به درخواست کارگران معدن شرکت ماریتروکیو در جزیره سمر پاین معدن حمله میکنند . مزد کارگران معدن چندین ماه بود که از طرف کارفرمایان و سرمایه داران معدن پرداخت نمی شد . در این حمله ۹۰ سرباز ارتش نوین خلق با پشتیبانی ۱۰۰ نفر از اعضای نیروی شبه نظامی ( ارتش غیر منظم ) شرکت داشتند . ارتش نوین خلق که تحت رهبری حزب کمونیست فیلیپین قرار دارد پس از تصاحب گاو صندوق و اموال شرکت ، مزد کارگران را از وجوه بدست آمده از گاو صندوق پرداخت مینماید . سپس در یک دادگاه انقلابی با شرکت کلیه کارگران کارفرما را محاکمه نموده او را از منطقه اخراج میکنند .

## بین المللی

متحدان اروپایی آمریکا در پیمان نظامی ناتو به هارولد براون وزیر دفاع آمریکا اعلام کردند که در هیچ درگیری خارج از منطقه جغرافیایی اروپا درگیر نخواهند شد .  
استوگ زلزله نگاری "اسیلا در سوئد گزارش داد که در پنجم اردیبهست ماه ، روسیه سومین آزمایش اتمی زیرزمینی خود را در سال جاری نزدیک "سی پالاتینسک" انجام داده است .  
آمریکا چهار آزمایش و فرانسه ۲ آزمایش تا کنون در چند ماه گذشته انجام داده اند .

جهانی فراهم میکند . در نتیجه بازرگانی خارجی کشور نباید مطابق با وضعیت زمان شاه ادامه یابد . در عین حال ما نمیتوانیم سیاست درهای بسته را دنبال کنیم و کلیه روابط خود را با جهان خارج قطع کنیم . ما باید در ترکیب بازرگانی خارجی آنچنان تغییراتی بوجود آوریم که بطور واقعی تجارت خارجی کشور در خدمت رشد اقتصاد ملی قرار گیرد . یعنی بازار داخلی را از شر انبوه کالاهای مصرفی امپریالیستی رها کرده ودراساس به خرید کالاهای سرمایه ای و تکنولوژی بپردازیم . در عین حال باید سیاست تشویق صادرات را دنبال کنیم سیاست بازرگانی خارجی اگر بر چنین مبنایی استوار باشد کمک بسیار موثری بر رشد تولیدات ملی و رونق اقتصادی خواهد کرد .

هم اکنون سرمایه داری ملی در بخش تجاری با مشکلات بسیار زیادی روبرو است که بهتر است دولت به حل آنها بپردازد . مسئله گشایش اعتبار ، عدم تأمین مالی و هرج و مرج در تمام شئون کشور از جمله این مشکلات است . در عین حال کندکاری و سستی ادارات دولتی در ارائه خدمات لازم به این بخش از سرمایه داری ملی نیز مثل تمام رشته های دیگر ، مسئله ای کوچک و کم اهمیت نیست .

### تجربه تلخ گذشته

بازرگانان ایرانی معتقدند که نتیجه دولتی کردن بازرگانی خارجی چیزی جز شکست نخواهد بود . چراکه ایران هرساله حداقل ۲۰۰ هزار قلم کالا وارد میکنند که اگر دولت بخواهد خودش ببنهانی این کار را سازمان بدهد ، صرف نظر از تمام مشکلات حداقل کارش اینست که بوروکراسی فعلی را ۲ برابر کند . تازه با اینهمه تنوع محصولات در جهان و اینهمه نوسانات سریع در نرخ کالاها ، معلوم نیست چگونه بوروکراسی بحال دولتی میخواهد بهترین کالاها را با ارزانه ترین قیمت وارد کند . بخش خصوصی به خاطر اینکه میخواهد هرچه بیشتر سود ببرد مجبور است تمام تلاش خود را بکار بندد ، تا مرغوبترین کالا را با مناسبترین قیمت و در اسرع وقت وارد کند . اما بوروکراسی دولتی که خرید هزاران چیز دولت میکند و روابط حاکم به آن کاملا بیمارگونه است چه دلیلی دارد و اساسا چگونه خواهد توانست بهترین کالاها را با ارزانه ترین قیمت و در سریعترین زمان ممکن به بازار برساند ؟ . . . .

در گذشته نیز دولت بخوبی نشان داده که "تاجر خوبی نیست" درست همین دوسه ماه پیش بود که مقدار زیادی برتقال بعلت بی توجهی و کم کاری در انبارهای وزارت بازرگانی گنبدید . مگر یادمان نیست که مثلا در زمان هویدا خروارها محصول وارداتی در انبارهای بنادر فاسد میشد و از بین میرفت . اما بازرگانی ملی در بخش خصوصی از آنجاکه مسئله شان مبارزه برای مرگ و زندگی در بازار بود با جنگ و دندنان هم که میشد کالایشان را به پول تبدیل میکردند .

اولین بار در سال ۱۳۱۰ در زمان رضاخان قانون انحصار تجارت خارجی به تصویب مجلس رسید اما ۲۰ هفته طول نکشید که این قانون تعدیل شد و دولت قبول کرد که انحصار خود را به بخش خصوصی واگذار نماید . دولت در سالهای ۲۰-۱۳۱۰ تنها انحصار ۴۰ کالا را در دست داشت و تجارت بقیه را بخش خصوصی انجام میداد .

اگر در زمان رضاشاه بدلیل مقابله با اثرات بحران عمیق سالهای ۳۲-۱۹۲۹ از یکطرف و به قیدو بند در آوردن فعالیت های بوروزاری ملی تجارت خارجی به انحصار دولت درآمد ، امروزه بنظر میرسد که منحصر شدن تجارت خارجی در دست دولت تنها میتواند در جهت منافع آزمندانه سرمایه داری بوروکرات ایران باشد .

بطور خلاصه ، ملی شدن بازرگانی خارجی معنایش اینست که تجارت کشور آن چنان سگلی بکشد که تماما در خدمت تأمین نیازهای رشد اقتصاد ملی باشد باسختی به منافع امپریالیسم جهانی . اقدام اخیر دولت ، ریش و فیچی را در بازرگانی خارجی منافع دولت میدهد ، دولتی که دستگاه بوروکراتیک او یکی از بزرگترین موانع سکوفایی اقتصاد ملی بوده و هست . این اقدام به رشد بیس از بیس دستگاه بیمار بوروکراسی میانجامد و تنها نتیجه اش ضربه زدن به رشد اقتصاد ملی و تحکیم هرچه بیشتر بوروکراسی دولتی خواهد بود .

طبق گزارش خبرگزاری ها بیش از ۸۰۰۰ نفر از سربازان ارتش اشغالگر روسه در چهار ماه گذشته در افغانستان کشته یا زخمی شده اند .

چهار هزارتن سرباز روسی در پایگاه های "گام بران" ، "دانانگ" ، "بین هوا" و "تان سون نهوت" در وینام مستقر و کنترل این پایگاهها را بدست گرفتند .

جریگهای سازمان جنوب غربی خلق آفریقا "سواپو" هفته گذشته به جدیدین ایستگاه پلیس در شمال نامی بیا حمله برده و خسارات زیادی باین مراکز وارد آوردند .

مختلف توسط شوروی تأمین میگردد . مقامات دولتی زلاند نو از زمانی به "سوفینسکی" شک بردند که روزنامه دیلی تلگراف لندن در شهریور سال گذشته فاش ساخت که سوفینسکی در سالهای ۱۳۴۰ که در سفارت روسیه در لندن مأموریت داشته است ، مأمور سازمان جاسوسی کا.گ.ب. میباشد . در نتیجه سوفینسکی تحت تعقیب و مراقبت قرار می گیرد تا وی را در حین ارتکاب جرم دستگیر می کنند .

در ادامه کرایش رسد بابتند و وحدت سازمانها واحزاب مارکسیست لنینیستی دردنیای اخیرا گزارش رسید که "حزب کمونیست هلند" بنکلادش" و "حزب کمونیست بنگال شرقی" اولین بلنوم وحدت خود را با موفقیت برگزار کردند . حزبی که حاصل این وحدت است "حزب کمونیست بنکلادش (م.ل) نامیده میشود .

## مامور ک.گ.ب یا سفیر شوروی در زلاندنو به حزب روسی پول میداد

اخیرا مقامات دولتی زلاندنو "وسمولودسوفینسکی" سفیر شوروی در زلاند نو را در حین پرداخت مبلغ هنگفتی به یکی از اعضای رهبری "حزب وحدت سوسیالیستی زلاندنو" که از احزاب هم بیاله حزب نموده ایران است ، دستگیر و از کشور اخراج نمودند . منابع مالی حزب وحدت سوسیالیستی زلاندنو نو همانند منابع مالی سایر احزاب طرفدار شوروی (حزب زری مارش فرانسه ، حزب "کمونیست سوئد و . . . ) از راههای

## رنجبر و خوانندگان

### نامه ای از «قولنگ» ورامین

یکی از دامداران آبادنیهای ورامین به نام "قولنگ" به نام محمود - ب درآمدهای که برای "رنجبر" فرستاده از مسکلابی که در این آبادی وجود دارد اظهار شکایت کرده وخواستار رسیدگی دولت به وضع بد این آبادی میباشد .  
در این نامه آمده است :  
سردبیر محترم نشریه رنجبر - خسته نباشید ، من دامداری از اهالی یکی از آبادنیهای ورامین هستم به نام "قولنگ" و حالا که انقلاب ما علیه امریکای جنایتکار به موفقیت رسیده است . انتظار دارم که مسائل و مشکلات مردم واقعا حل شود . حالا کمی از درد دل هایم را برایتان می نویسم و امیدوارم که آنرا جاب کنید . جاده فرعی که از حاده ورامین

مانده است . مشکل دیگر من اینست که کارم و حدود بیست و پنج نفر دیگر کاوداری است . من ۶۰ رأس گاودارم که در شرایط سختی از آنها مراقبت میکنم . سببم که به دامداران ، اداره دامداری و کشاورزی وام میدهد . برای گرفتن وام به آنجا مراجعه کردیم به ما گفتند که وام به کسی میدهیم که پروانه دامداری داشته باشد و چون ما پروانه دامداری نداریم برای گرفتن پروانه به فرمانداری مراجعه کردیم و آنجا هم ما گفتند که محل دامنیای شما باید دوسه کیلومتر دور از ده باشد و طبق اسلوب بهداشتی هم باشد و چون ما از دامنیای درده نگهداری میکنم و بهداشتی هم نیست به ما پروانه ندهند . برای بهداشتی کردن دامداری هم احتیاج به پول داریم که به ما وام ندهند .  
ارتما که برای رنجبران سانه روزی کار و تلاش میکنم خواهش می کنم که خواسته های ما را در روزنامه رنجبر بنویسند . ما هم می دانیم که ما درجه سرامتی و با حد مسکلابی

در کربودیم و هستیم . و حالا که انقلاب اسلامی مان به رهبری امام خمینی بیروز شده انتظار داریم که بخواسته های ما رسیدگی شود . برای شما موفقیت و پیروزی در ادامه انقلاب آرزو مندیم .

# جلال طالبانی و حل سیاسی مسئله کردستان

جنگ در کردستان دلها را خونین و جریحه دار می سازد و حس انتقامجویی بر جای میگذارد.

اگر تلاشهای صادقانه ای از دو طرف مبذول شود، مشکل حل خواهد شد.

جلال طالبانی دبیرکل اتحادیه میهنی کردستان عراق که مدتی است در تهران بسر میبرد، طی یک مصاحبه مطبوعاتی در روز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه در گفتگویی با خبرنگاری پارس اعلام داشت که جنگ در کردستان ایران مشکلی را حل نمیکند. بلکه آنرا پیچیده تر میکند. جنگ دل هارا خونین و جریحه دار میسازد. یتیم و بیوه زن و حس انتقامجویی بر جای میگذارد.

جلال طالبانی در پاسخ به این سؤال که آیا بنظر شما چه راه حلی برای رفع اختلافات میان حکومت مرکزی جمهوری اسلامی ایران واکراد در کردستان منصور است و آیا تماسهایی در این زمینه با رهبران جمهوری اسلامی و اکراد ایران داشتهاید گفت: "به عقیده من باید از راه سیاسی

نیز مورد یورش قرار میدهد، محکوم مینماید و مردود می داند، چگونه میتوان تبلیغات کنونی روس نامه مردم را توجیه کرد؟ آیا تبلیغات کنونی رهبری حزب توده با چه هدفی انجام می شود؟ و در پس این جار و جنجال چه مقاصدی نهفته است؟

در زیر اهداف اصلی این تبلیغات را روشن می سازیم:

آمیز و دمکراتیک موجود است. زیرا طرف کرد، همگی میگویند که حاضرند به جنگ برادر کشی پایان بدهند. آتش بس را محترم بدانند. پاره ای خواستهای دولت مرکزی مثل خروج افراد مسلح از شهرها و نیز مقاومت در برابر رژیم فاشیستی عراق را اجابت کنند. از طرف دیگر طرف مسئول دولت مرکزی، یعنی شخص دکتر ابوالحسن بنی صدر همچنین بارها اعلام کرده که خواهان آن راه حل سیاسی و مسالمت آمیز است و مخالف جنگ برادر کشی است و حقوق مشروع اکراد از جمله خودمختاری در چهارچوب جمهوری اسلامی را میپذیرد.

بنی صدر گفته است که ما مخالف اصل خودمختاری نیستیم، حرف مان اینست که چه کسی خودمختاری را بگیرد. و کیفیت این خودمختاری چگونه است.

دبیرکل اتحادیه میهنی کردستان عراق در دنباله سخنانش افزود که: "اگر تلاشهای صادقانه ای از سوی دو طرف مبذول شود، نظرم و امیدم این است که مشکل حل خواهد شد. من هم برحسب امکانات و توانایی خود ضمن مراعات اصل عدم دخالت در امور داخلی طرفین، تلاش میکنم مسائل را در چنین فضایی امکان هرگونه ابتکار عمل سنجیده و اصولی از انقلاب ایران سلب میشود. در عوض هر اقدام شتابزده از قبیل: آتش زدن تأسیسات و جاههای نفت، سرگردانی نیروهای دفاعی در جهات گوناگون، دعوت از کارشناسان روسی برای دفاع از ایران! و... امکان پذیر میشود.

برای طرفین توضیح دهم و تصویری واقعی از اوضاع و مقاصد به طرفین ارائه دهم، بلکه امر آتشی بس و راه حل سیاسی تسهیل شود.

امکان یکی شدن اکراد در یک کشور منفصل کرد، امری خیالی است

جلال طالبانی در مورد ایجاد یک کردستان آزاد و مستقل گفت: "نسل فعلی ما نمیتواند چیزی بیشتر از خودمختاری در چهارچوب جمهوری عراق که باید یک جمهوری دمکراتیک خلق باشد، بدست آورد. ما بعنوان انقلابیون واقع گرا و نه شاعران خیال پرداز معتقدیم که سیاست واقعی و منطقی، سیاست بکار بردن "فن ممکنها" است. بنظر من امکان یکی شدن اکراد در یک کشور منفصل کرد، امری خیالی و در حکم عدم است.

# واقعیت خطر آمریکا و جارو جنجال باندکیانوری

توده از براه انداختن جارو جنجال پیرامون خطر حمله نظامی آمریکا، مبارزه با آمریکا نیست. بلکه آنها راهی برای بدست گرفتن قدرت و جانشین ساختن ابرقدرت روسیه میجویند.

# بن بست سیاست آمریکا در خاورمیانه

در باره مذاکرات اخیر کاتر، سادات و بگین

صحنه سیاسی و دیپلماسی خاورمیانه در ماه قبل شاهد مذاکرات دو جانبه سران کشورهای مصر و اسرائیل با آمریکا بود. هدف این مذاکرات، یافتن راه حلی برای خروج از بحران قرارداد کمپ دیوید سال گذشته می باشد. اختلافات موجود همچنان بر جای خود باقی میباشند و تمام تلاشهای کارتر برای ایجاد تفاهم و پیشرفت در مذاکرات بیه جایی نرسید و با تعلیق مذاکرات از طرف انور سادات در شنبه این هفته شکست مذاکرات یکماه اخیر قطعی شد.

مذاکرات کارتر با بگین و سادات از سال گذشته پس از انعقاد قرارداد کمپ دیوید براه افتاد و هدفی جز مخدوش کردن مساله اساسی یعنی حقوق حقه مردم فلسطین و حق تعیین سرنوشت این ملت نداشت. قرارداد کمپ دیوید از یک قدرت اجرایی و انتقالی در سواحل غربی رود اردن و نوار غزه برای ۱/۱ میلیون فلسطینی ساکن این نواحی صحبت میکند. ولی همزمان با پیشبرد مذاکرات در باب چنین طرح سازشکارانه ای، دارو دسته بگین بر موجودیت و کنترل اسرائیل و حضور سربازان اشغالگر خود در این منطقه پافشاری میکند.

ساده اند. دارو دسته بگین در وخیم ترین بحران سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی بسر می برد. در جبهه بین المللی، شورای امنیت سازمان ملل و عده ای از کشورهای عضو بازار مشترک اروپا در اواخر اسفند ماه به طرح توسعه طلبانه اسرائیل در محاصره بیت المقدس و سکنی دادن یهودیان در مناطق اشغال شده غرب رود اردن اعتراض نمود. اجلاسیه عمومی سازمان ملل نیز با سه قطعنامه مختلف اسرائیل را بخاطر الحاق سرزمینهای عربی بخاک خود، ایجاد و توسعه شهرک های جدید، شکنجه زندانیان سیاسی، دخالت در آزادیهای مذهبی ساکنین عربی محکوم نمود. روز پنج شنبه گذشته شورای امنیت طی قطعنامه ای خواستار برگرداندن سه شخصیت عربی تبعیدی از طرف اسرائیل شد.

از نظر داخلی دولت بگین با ۱۳۴٪ تورم، اعتصاب های وسیع، ۱۲ میلیارد دلار وام خارجی وابسته شدن کشاورزی به خارج مواجه است که از نظر اقتصادی ضربه جدی ای بر پیکره دولت وی وارد آورده است. اخیرا جنبشی در اعتراض به سیاست میلیتاریسم و تجاوزکارانه دارو دسته بگین تحت عنوان "صلح، اکنون" بوجود آمده که هدف خود را جمع آوری یک میلیون امضاء بر علیه بگین قسار داده است. تضادهای موجود مابین جناح بندی های دولت و پارلمان اسرائیل تشدید پیدا کرده است و از شواهد چنین، بر می آید که بگین نتواند تا دوره بعدی انتخابات نخست وزیری در سال ۱۳۶۰ بر سر کار باقی بماند.

در مقابل افراد روز افزون

مقاله ستایش آمیز از امکانات یاری کشورهای "برادر" و اینکه روسیه بهترین نیرو برای دفاع

مقاله ستایش آمیز از امکانات یاری کشورهای "برادر" و اینکه روسیه بهترین نیرو برای دفاع

مقاله ستایش آمیز از امکانات یاری کشورهای "برادر" و اینکه روسیه بهترین نیرو برای دفاع

اقتصادی بر توده‌های مردم و عوامی از این ردیف آمریکای جنایتکار را برای واقعیت یافتن مقاصدش کماکان امیدوار نگه داشته است. اما با تجربه‌ای که توده‌های مردم و نیروهای سیاسی مومن و متعهد به انقلاب از باند کبانوری دارند و آگاهی توده‌ها از این واقعیت که باند کبانوری جریان استقلال طلبی و مبارزه واقعی ضد امپریالیستی را، که بناچار ارباب خود این دارو دسته را

"روسیه" سوسیال امپریالیستی امری غیرقابل اجتناب میشود. جنجال باند کبانوری بمنظور هشیار سازی توده‌ها، در برابر خطر امریکا نیست، برعکس آنها میکوشند یک جو تشویش و تشنج، شلوغی و ترس بوجود آورند. آنها دائما تبلیغ گستردگی امکانات نظامی امریکا، حملات احتمالی آنان و ضعف و بی دفاعی ارتش ملی وتوده را میکنند تا انقلاب را مرعوب سازند.

روس نامه "مردم" برای مقبول ساختن این ایده از پروفیسور گلادین (!) و فیدل کاسترو گرفته تا حزب کمونیست عراق نقل قول و گواهی میاورد: جارجونجال حزب توده برای گنج کردن توده‌ها هدف دیگری را نیز دنبال میکند: ایجاد جبهه متحد انقیاد ملی بنفع روسیه. بدین ترتیب روشن است که هدف اصلی مزدوران کمیته مرکزی حزب

برداشت. نظم و مرکزیت دمکراتیک دولت ملی را توأم با حفظ آزادی‌ها مستقر ساخت، و بدینسان زمینه درونی بازگشت امپریالیسم امریکا را نابود ساخت. برخلاف تمام تبلیغات مزدورانه باند کبانوری و اربابان روسی او همان گونه که امام گفته‌اند: "امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند."

علت اساسی شکست مذاکرات اخیر کارتر و سادات و بگین را میباید در پافشاری بگین بر روی سیاستهای سرسختانه و غاصبانانه دید. بگین در سه شنبه گذشته در کنفرانسی از "حزب لیبرال" اسرائیل این سیاست را چنین مطرح میکند: "امنیت سواحل غربی رود اردن و نوار غزه بیبایستی در دست اسرائیل باقی بماند و نه در دست کس دیگری... هر کس که میخواهد با ما بتوافقی برسد باید این اصل را قبول کند." بنا بر این بگین که بطور روشن آب پاکی را بر روی دست کارتر و سادات ریخت، سادات چاره‌ای جز معلق کردن مذاکرات و اعلام شکست آن ندید.

سازمان آزادیبخش فلسطین هر روز از موقعیت بهتری برخوردار شده است. توده‌های خلق فلسطین دردیماه گذشته در اثر مبارزات وسیع خود موفق شدند آزادی شهردار فلسطینی نابلس را بدست آورند. در هشتم فروردین ماه امسال "ساف" با موفقیت یک اعتصاب عمومی را در نواحی غربی رود اردن و نوار غزه به پیش برد. اعتصابات و تظاهرات خونین فلسطینی‌ها در هفته گذشته بر علیه تبعید سه شخصیت عربی به لبنان نمودار مقاومت استوار خلق فلسطین در مقابلها دستمگراییهای دولت اسرائیل میباشد.

## حمله به دکه فروش "رنجر" مرگ بر چاقو کشان حزب توده و عناصر مشکوک

دیروز ساعت ۶ بعد از ظهر به تحریک عناصر حزب توده و بهمراهی چاقو کشان و عناصر مشکوک دکه‌ی نشریات مادر میدان فردوسی مورد حمله واقع گشت و بخشی از کتیب و نشریات دکه به آتش کشانیده شد.

در این حادثه علاوه بر دو جوان مسئول دکه نشریات (از سازمان جوانان انقلابی) عده‌ای از عابریین نیز که به دفاع از جوانان بر میخیزند مجروح میشوند.

این اوباشان توده‌ای که وظیفه‌ی حمله به باصطلاح ما ثوئیست‌ها را بعهده گرفته‌اند همچون چاقو کشان حرفه‌ای عمل میکردند و زیر شعار "با طرفدار خط امام هستیم و بایست پاکسازی کنیم" تلاش میکردند تا احساسات مردم را علیه رفقای ما برانگیزند. اما مردم، که در جریان انقلاب تجربه بدست آورده‌اند و توطئه‌های هرج و مرج طلبانه را خوب میشناسند، بی میبرند که دست عوامل خارجی در کارست و هرج و مرج طلبی و اوباش بازی تنها توسط آنهاست که دامن زده میشود و پیاپی میگردد.

ما این عمل مشکوک و ضد انقلابی را شدیداً محکوم میکنیم.

## علل سیر...

کار را به تولید بیشتر تشویق نماید.

۲- عدم تمرکز و ادا مه هرج و مرج و وجود بی نظمی و هرج و مرج کنونی که خود بیکل مانعی اساسی در مقابل تشبیت سیاسی کشور خود نمایی میکند به دو بخش تقسیم میشود: اول توطئه‌ها و تحریکات مستقیم و غیر مستقیم دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی است و دوم وجود مراکز قدرت و تصمیم گیری در درون ارگانهای مملکتی و دولتی است که علیرغم نظر قاطع رئیس جمهوری مینی‌سوتا بین بردن آنها کماکان خود کما و تحت پوشش "انقلابی" عمل میکنند.

۳- انحصار طلبی مردم میهن ما عمیقاً وحدت طلب هستند اما انحصار طلبان تنها به منافع خود می اندیشند و بخاطر رسیدن به این منافع حاضرند تمام مصالح خلق را قربانی کنند و به همین دلیل نقش بزرگی در پائین آوردن علاقه مردم به شرکت در رای گیری‌ها داشته‌اند.

به عقیده ما مجموع سه عامل فوق از اساسی ترین عللی هستند که باعث فروکش شور و شوق توده‌های مردم در رای گیری اخیر شده‌اند. بنا بر این باید با از بین بردن این عوامل و ایجاد یک قدرت ملی و منسجم مرکزی با اتکاء به خواست توده‌ها و در خدمت آنها، وسیعترین توده‌های مردم را برای مبارزه با خطر ادا مه انقلاب و تحکیم استقلال بسیج نمود.

## هلیکو پترهای...

بلوچستان موجی از نگرانی برانگیخته انعکاس یافته است. عملیات آتش افروزی آمریکا ثبات در دریای عمان به وضوح یک تهدید نظامی علیه تمامیت ارضی و منابع نفتی ما به شمار می رود. آمریکا نشان میدهد که دارد خود را برای عملیاتی از این قبیل بر فراز جاهای نفت ایران آماده می کند تا نقشه‌های کارتر را مبنی بر "مجازات" ایران به مرحله اجرا در آورد. این اقدام اگر هم با اجرای نقشه همراه نباشد یک تهدید آشکار و قیحانه سیاسی است که به قصد ارعاب مردم ما صورت می گیرد.

و اما در مورد اقدام تجاوزی روسها، خبرنگاران ما از زاهدان در تاریخ ۲۳ اردیبهست گزارش میدهند که چند فروند هلیکوپتر روسی و افغانی حدود دو هفته قبل از مرز افغانستان گذشته و وارد آسمان ایران شدند. هلیکوپترها پس از چند دقیقه پرواز بر فراز بخش "طوس" مخمد خان (در ۵۰ کیلومتری شمال شرقی زابل)، به خاک کشور خود باز گشتند. مقامات ژاندارمری و سپاه پاسداران هیچگونه عکس العملی در مقابل این تجاوز هوایی انجام نداده‌اند. منطقه پرواز هلیکوپترها محل اقامت مهاجرین و آوارگان افغانی است و احتمالاً یکی از اهداف این تجاوز هوایی شناسایی محل زندگی آنان بوده است. مسلم است که با شناختی که از سیاست شوروی و نوکران افغانی آنها، یعنی سیاست تحریک و تجاوز به خاک همسایه داریم، این عملیات "شناسایی" به همین جا ختم نخواهد شد، بلکه روس ها نیز همچون آمریکائیان در یا زود به فکر "مجازات" ایران که میخواهد به مبارزین افغانی کمک کند خواهند افتاد.

اگر هوشیاری خوب مقامات در برابر تجاوزات آمریکا باعث خوشحالی است (نیروی هوایی آغاز یک سری عملیات نظامی شبانه

## شایعه پراکنی...

تماسها بین مقامات مسئول دولتی بانمایندگی مورد اعتماد خلق کرد برای پایان دادن جنگ بشوند و با قراردادن آتش حمله بطرف نیروهای غیر وابسته مانند شیخ عزالدین حسینی و "کومله" و شایعه پراکنی بر علیه آنها از برقراری صلح در کردستان بین دولت بانمایندگی مورد اعتماد خلق کرد جلوگیری نمایند. از طرف دیگر با گسیل نیروهای مسلح "حزب دمکرات" به جبهه جنگ، مزدوران روسیه را در جریان آتش بس و صلح بعنوان یک طرف معامله قرار میدهند و بعنوان غنائم جنگی از حکومت مرکزی امتیاز بگیرند.

و اما در دیگر حنای روسی آنها رنگی ندارد و شیوه ارعاب و وحشت سوسیال فاشیستی آنها در مقابل مقاومت مردم نقش بر آب میشود ولی بنظر ما باید مسئولین و مقامات مربوطه در مورد این شایعه که به یکی از مسئولین این نهاد انقلابی نسبت داده شده است جواب بدهند و با افشگری توطئه‌های مزدوران روسی در کردستان مانع سوء استفاده آنها از این اوضاع بر هرج و مرج بشوند.

هلیکوپترهای ایرانی را در دو شب پیش اعلام نمود)، در عوض عدم توجه و بی تفاوتی آنها در برابر مقاصد شوروی ایجاد نگرانی میکند. امروز پس از گذشت دو هفته، مسئولین ژاندارمری و مقامات استان بلوچستان هنوز خبر تجاوز هوایی هلیکوپترهای روسی را منتشر نکرده‌اند. بطوریکه مردم خود راساً با مراجعه و فشار بر روی مقامات در این کار پیشقدم شده‌اند. این تجاوزات آمریکایی و روسی بار دیگر نشان میدهد که ایران باید نه تنها در برابر خطر تجاوز آمریکا بلکه همچنین در برابر تحریکات و تجاوزات ابر قدرت شوروی نیز هوشیار باشد.

## شکست قرارداد کمپ دیوید

قرار داد کمپ دیوید که به ابتکار آمریکا و سازش انور سادات انجام گرفت در نتیجه ادامه مبارزه و پافشاری خلق فلسطین بر روی به دست آوردن حقوق حقه خویش به شکست منتهی شد. شکست این مذاکرات بار دیگر این واقعیت را به اثبات رسانید که هر نوع مذاکره در مورد سرنوشت خلق فلسطین که بدون برسمیت شناختن و شرکت "ساف" انجام پذیرد، قطعاً شکست خواهد خورد.

کارتر امیدوار بود که سایر کشورهای عربی از انور سادات دنباله روی کنند و از مفاد قرارداد کمپ دیوید پشتیبانی نمایند. ولی اوضاع بنفع اسرائیل و آمریکا جلو نرفت و وحدت کشورهای عربی در اعتراض به کمپ دیوید مستحکم تر شد و سازش سادات با اسرائیل و برسمیت شناختن دولت غاصب اسرائیل باعث نزدیکی بیشتر کشورهای عربی به یکدیگر و پشتیبانی بیشتر آنان از سازمان آزادیبخش فلسطین گردید.

از طرف دیگر دو ستون اساسی سیاست کارتر یعنی اسرائیل و مصر در صحنه بین المللی روز بروز در انفراد بیشتری قرار گرفته و بسا مشکلات جدی داخلی مواجه

## سیاست امپریالیسم امریکا

کارترا اشتیاق فراوانی داشت که تا قبل از پنجم خرداد، یعنی مهلت تعیین شده از طرف قرار داد کمپ دیوید مذاکرات بین اسرائیل و مصر بنتیجه‌ای برسد. البته اکنون با تعلیق مذاکرات از طرف سادات هیچ گونه امیدی برای کارتر باقی نمانده است.

با اوج گیری انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، کارتر سعی میکند با پیش برد چنین مذاکراتی، سربوشی بر شکست قرارداد کمپ دیوید بگذارد. این امر برای کارتر بسیار حیاتی می باشد. بویژه آنکه رقیب اصلی انتخاباتی کارتر رونالد ریگان از توسعه طلبی و تجاوزات صهیونیست های اسرائیلی بطور روشن پشتیبانی میکند و بدین ترتیب قادر خواهد شد در مقابل کارتر رای بیهودیان آمریکایی را بطرف خود جلب نماید.

همچنین پس از تجاوز امپریالیسم شوروی به افغانستان و اتحاد دگترین کارتر از طرف هیئت حاکمه امریکا، کارتر مجبور است تا اندازه‌ای در مناسبات خود با کشورهای عربی تغییراتی اتخاذ نماید، و روابط خود را با آنان گسترش دهد، تغییراتی ایجاد نماید و روابط خود را با آنان گسترش دهد. از این طریق کارتر تلاش میکند مسئله نفت را بسود خود حل کند و در ضمن از نفوذ بیشتر شوروی در کشورهای عربی بقیه در صفحه ۲